

مقدمه‌ای بر شناخت شهرهای اسلامی

دکتر سیروس شفق

استاد جغرافیا دانشگاه اصفهان

چکیده

این مقاله بیشتر بیان‌کننده نظریات جغرافیدانان غربی در کشورهای اسلامی است. در آن به ساختار و الگوهای شهرهای اسلامی از نظر کالبدی - فضایی توجه شده است و تأثیر دین مبین اسلام را پررنگ‌تر از سایر عناصر و عوامل به تصویر کشیده است. در بافتهای جدید شهرهای اسلامی، نفوذ تمدن غرب به مراتب بیشتر از بافتهای قدیم به چشم می‌خورد که تعیین ماهیت و خصیصه‌های یک شهر اسلامی را با مشکل روبرو کرده است و شهرهای اسلامی هر روز گامهای بزرگتری را به سوی الگوهای شهری جهان غرب برمی‌دارد. چنین پیشامدی کارپژوه‌شگران شهری را که اصالتی برای شهرهای اسلامی برمی‌شمارند دشوارتر کرده است و بی‌مناسبت نیست که بگوییم راه درازی در پیش است که به عهده جغرافیدانان گذاشته شده است.

مقدمه

در سیالهای بعد از جنگ جهانی دوم، شهرنشینی نه تنها در خاورمیانه اسلامی بلکه در کشورهای جهان سوم از رشد بالایی برخوردار بوده و بدین وسیله توجه جغرافیدانان بدان معطوف گردیده است. جغرافیدانان اروپایی در مطالعات جغرافیایی

خویش در شهرهای اسلامی، با خصیصه‌های خاص جغرافیایی برخورد نموده‌اند که آگاهی از آنها ارزش علمی خاص خود را دارد. این شهرها که در منابع جغرافیایی به آن شهرهای شرق اسلامی اطلاق شده علاوه بر شهرهای خاورمیانه، شهرهای ممالک شمالی آفریقا را نیز در بر می‌گیرد، اما به این منطقه وسیع باید آسیای مرکزی، قسمتی از هند، چین، پاکستان، بنگلادش و اندونزی و غیره را نیز اضافه نماییم. با اینکه شهرهای جهان اسلام از فرهنگ و جهان‌بینی خاص نشأت گرفته‌است، ولی به واسطه فرهنگهای مختلف ملل از طرفی و تأثیر محیط جغرافیایی از طرف دیگر، چشم‌انداز و مورفولوژی متفاوتی را در شهرهای جهان اسلام پدید آورده‌است.

جغرافیدانان غربی از قرن بیستم به مطالعه شهرهای اسلامی پرداخته و هر یک از دید خاصی آنها را مورد بررسی خویش قرار داده‌اند. زمانی شهرهای اسلامی را از نظر کالبدی و زمانی دیگر از دیدگاه ساختار اقتصادی و اجتماعی مد نظر قرار داده‌اند. قابل ذکر است که غربیها گاهی از شهرهای اسلامی در سفرنامه‌های خود اطلاعاتی به دست می‌دهند که در خور تعمق و توجه است.

بجز جغرافیدانان و سیاحان، گروه دیگری به عنوان شرق شناس، اسلام شناس و یا ایران شناس مطالعاتی در این زمینه انجام داده‌اند که از جمع‌بندی و ارزیابی نظریات آنها می‌توان تصویر روشنی را از شهرهای اسلامی ترسیم نمود.

قابل ذکر است که جغرافیدانان و دانشمندان متقدم اسلامی به زندگی و ساخت و بافت شهرهای عصر خویش بی‌توجه نبوده، بلکه اطلاعات آنها از نظر جغرافیای تاریخی، مدیریت، تکامل و توسعه شهری جایگاه ویژه‌ای دارد که در این مطالعه به صورت اجمال بدان اشاره خواهد شد. با این مقدمه کوتاه ذکر این نکته ضرورت دارد که تحقیقات دهه‌های اخیر جغرافیدانان از جمله: «هانس بوبک، اویگن ویرت، کونتر شوابچر، ولف گانگ هوتت، روت، اکارت اهلرس، پال ورت انگلش، مایکل بوناین، مارسل بازن و گزاویه دوپلانول»^{*} از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و کوشش ما بر این است که از نوشته‌های آنها در این مطالعه بهره‌مند شویم تا تصویری روشن از

* Hans Bobak, Eugen wirth, Giten schweituer, wolfgang, Hutteroth , Ekart Ehlers, P.W. English, M. Bonine, Marcel Bazin, de planol

شهرهای اسلامی ترسیم نماییم. نکتهٔ مهم در این پژوهش، توجه به نقش و جایگاه شهرها در تمدن اسلامی است. مطالعهٔ جغرافیدانان فوق‌الذکر این نتیجه را به دست می‌دهد که بررسی شهرهای اسلامی - شرقی در سرزمینهای غربی از اهمیت خاصی برخوردار بوده، این محققین علاوه بر مدل شهرهای شرقی - اسلامی به تحقیقات عمیقی در زمینه مراکز مذهبی اغلب شهرهای بزرگ اسلامی و بازارهای آنها پرداخته‌اند. اغلب جغرافیدانان سابق‌الذکر آلمانی زبان بوده و جغرافیدانان فرانسوی، انگلیسی و آمریکایی مطالعات کمتری را در این زمینه انجام داده‌اند.

در خاتمه این نکته نیز قابل ذکر است که جغرافیدانان ایران در چند دههٔ اخیر به مطالعهٔ شهرهای این کشور و مسائل آن پرداخته که به صورت موضوعات مختلف و مونوگرافی‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. جغرافیدانانی چون: فرید، شکوئی، راهنمایی، مؤمنی، نظریان، ضیاءالدین توانا، و پورحیدر.

شکل و مدل شهرهای اسلامی

جغرافیدانان آلمانی نخستین پژوهشگرانی بودند که به تهیهٔ مدل شهر اسلامی مبادرت کرده‌اند، در بین آنها طرح شماتیک دتمان* از یک شهر اسلامی - شرقی مطلوب و مقبول‌تر است. به طرح دتمان مراجعه شود.

دتمان در طرح خود بازار را به عنوان قلب شهرهای اسلامی به تصویر کشیده‌است، اما اویگن و یرت جغرافیدان دیگر آلمانی بازار را نه تنها مرکز شهرهای اسلامی می‌داند بلکه به عنوان خصیصهٔ خاص شهرهای اسلامی و تمایزکنندهٔ آن با سایر شهرهای جهان مورد تأکید قرار داده و آن را کلید شاخص، برای شهرهای اسلامی قلمداد نموده‌است. طرح و مدل و یرت از شهر اسلامی در اصل بی‌شبهت به مدل دتمان نیست و در حقیقت اتفاق نظر در دو طرح مشاهده می‌گردد.

در دو طرح یاد شده مسجد جامع به عنوان مرکز اصلی شهر با کارکرد دینی توجه ما را به خود جلب می‌کند. در واقع بنای مساجد آدینه در شهرهای اسلامی

الزامی است و گاهی تاریخ بنای آن معرف شهر شدن این شهرها نیز می باشد. مساجد جامع در شهرهای اسلامی معمولاً در کنار بازار قرار دارند^(۱)

در مساجد جامع شهرهای اسلامی نه تنها فرایض دینی چون نماز جماعت به جای آورده می شود، بلکه مرکز رفع دعاوی، ابلاغ احکام و ثبت مالکیت‌های مهم نیز بوده است.

در اطراف مسجد آدینه، بازار اصلی شهر قرار دارد که قلب اقتصادی شهر بوده و محل کار پیشه‌وران مختلف و صنایع دستی در آن تمرکز دارد. در بازار شهرهای اسلامی هر رسته‌ای به یک فعالیت خاص تعلق دارد. معروف است که کالاهای پرارزش در هسته‌های مرکزی و کالاهای کم‌ارزش و آلوده‌کننده محیط در نقاط دورتر از مرکز بازار به خریداران عرضه می‌شد و حتی برای کالاهای مورد نیاز روستاییان حوزه نفوذ شهر، بخش خاصی اختصاص یافته بود.

در کمربند بیرون از بازار محلات مسکونی شهر قرار دارد که هر گروه اجتماعی و یا اقتصادی برای خود به وجود آورده‌اند. مثلاً هر گروه مذهبی و یا شغلی، مکان ویژه‌ای را برای زندگی خود انتخاب نموده‌اند. در شهرهای اسلامی، اغلب به استحکامات دفاعی و نظامی بر می‌خوریم که حصار، برج، بارو، خندق، بند و دربند و بالاخره دروازه شهر از آن جمله‌اند.

در خارج از برج و باروی شهر گورستان شهر که گاهی هر گروه مذهبی برای خود ایجاد کرده است به چشم می‌خورد و در بیرون حصار، به بازارهای هفتگی و دوره‌ای که اغلب فرآورده‌های کشاورزی در آنها عرضه می‌شود بر می‌خوریم که از خصوصیات دیگر شهرهای سنتی اسلامی است. که در بعضی از شهرها چون مرو به صورت پایدار و با کمتر تغییر و تحول هنوز به زندگی خود ادامه می‌دهند.

در این مطالعه اجمالی یک بار ویژگی‌های شهرهای اسلامی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد و بار دیگر اثرات صنعتی شدن و نفوذ تمدن غربی را بر روی این شهرها بیان خواهیم داشت.

شهر قدیم و جدید

شهرهای فعلی سرزمینهای اسلامی معمولاً از دو بخش قدیمی (سنتی) و جدید تشکیل گردیده است. در یک قرن اخیر توسعه شهر به خارج از حصارهای دفاعی قدیمی گسترش یافته و اغلب به صورت کمربندی دورادور برج و باروی قدیمی را در بر گرفته است.

بخش جدید شهرهای اسلامی پدیده‌ای غربی است که بعد از صنعتی شدن به وجود آمده و با ورود اتومبیل به زندگی شهری، شکل گرفته است، و سال ۱۳۰۰ آغاز چنین حرکتی است اما بافت قدیم شهری همان شهر سنتی است که در آن دسترسها با چهارپایان هماهنگی دارد و نفوذ مذهب را در آن به وضوح تمام مشاهده می‌کنیم. نقشه سمرقند را مشاهده نمایید.

در یک قرن اخیر تغییر و تحول عظیمی را در شهرهای اسلامی مشاهده می‌کنیم که رشدی سریع داشته است. توسعه و رشد شهری در چند دهه اخیر چنان بالا است که شهرهای سنتی قدیمی از نظر اشغال زمین شهری، در صدنا چیزی را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر وسعت بافتهای جدید گاهی چندین برابر وسعت شهر سنتی می‌باشد. مثلاً در شهرهای بزرگ سنتی ایران مانند تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز وسعت بافتهای قدیمی چندین برابر کوچک‌تر از شهر جدید (بافت جدید) می‌باشد. مثلاً شهر اصفهان با ۱۳۰۰ هکتار بافت قدیمی به عنوان یکی از شهرهای مهم کشور و در مقایسه با وسعت کل شهر که حدود ۱۸۶۸۰ هکتار محاسبه گردیده است حدود ۷٪ از وسعت شهر را به خود اختصاص داده است.^(۲) این دوگانگی یکی از عوامل روشن شهرهای شرق - اسلامی است.

بعضی از جغرافیدانان اعتقاد دارند که از قرن ۱۹ به این طرف کمتر شهری با ویژگیهای خاص اسلامی - شرقی و بدون نفوذ تمدن غربی می‌توان در جهان اسلام یافت، زیرا در جهان اسلام از آفریقای شمالی تا شبه قاره هند که استعمار امپریالیستی (انگلیس، فرانسه، روس) نفوذ قابل توجهی در آن سرزمینها داشته تغییرات و دگرگونیهای عظیمی در کالبد شهرهای اسلامی پدید آمده است.

استعمارگران و شهرهای اسلامی

کشورهای استعمارگر اروپایی از روزی که سفره سلطه خود را بر این کشورها گسترش دادند دخل و تصرف زیادی در طرح شهرهای اسلامی به وجود آوردند. چنان تغییری که دو چهره متفاوت را در شهرهای این بلاد خلق کرده است. مثلاً فرانسویان در مراکش به ساخت شهر جدید در جوار شهرهای قدیمی مبادرت کردند و زندگی اداری - سیاسی و خصوصی خود را از مدینه جدا نمودند، در حالی که در مورد تونس و الجزایر برعکس هرگز طراحان توسعه شهری دست به چنین کاری نزدند و توسعه همان شهرهای سنتی را تجویز کردند و بدین وسیله موضوع طرح شهری در مراکش بیش از همه توجه انسان را به خود جلب می‌کند و تردیدی نیست که این نوع طرحها از الگوهای شهرسازی فرانسه تبعیت کرده است.

در سرزمینهای مستعمراتی انگلستان مانند هند از نظر امنیتی، شهری جدا و با فاصله قابل توجه، در جوار شهرهای قدیمی بنا گردید که از نظر عملکرد، محل سکونت کارمندان اداری انگلیس بوده و نیز بخش نظامی شهر در آن متمرکز بود. این جدایی‌گزینی و یا به عبارت دیگر شهرهای دوقلو را در اغلب شهرهای هند مشاهده می‌کنیم و شهرهای جدید نظامی - اداری انگلیسی که تضادی با شهرهای سنتی هند داشت در این شبه‌قاره پیدا شد.

در آسیای میانه سیاست تزارهای روس و سپس شوروی سوسیالیستی دگرگونی‌هایی به مراتب ناهماهنگ‌تر را در شهرهای آن سامان به وجود آورد. تزارهای روس با جدایی‌گزینی شهرهای جدید روس موافق نبودند، لذا شهرهای نو بنیاد خود را مستقیماً در کنار آنها بنا کردند تا از نظر اجتماعی خود را به جامعه اسلامی آسیای مرکزی نزدیک‌تر سازند، اما تغییر و تحولی در بافت مراکز شهرهای سنتی از جمله شهرهای سمرقند، بخارا، تاشکند و خیوه پدید آمد. مرحله بعدی تغییرات طرح شهری آسیای مرکزی در واقع زاینده انقلاب کبیر روسیه (۱۹۱۷) بود و مخصوصاً دگرگونی‌های شهری در عصر استالین چشمگیرتر بود و بدین وسیله سه گانگی در این شهرها به چشم می‌خورد که می‌توان تحت عنوان شهرهای «اسلامی - روسی - شوروی» از آن سخن به میان آورد. در این حرکت سه

گانه باید گفت آخرین تحول شهرسازی که همان عصر شوروی است در واقع مکمل طراحی شهری عصر روس بوده است. با حرکت شهرسازی این عصر تغییرات بنیادی در مراکز عملکرد شهری پیدا شد. طراحان این دوره اشکال سوسیالیستی طراحی شهری را مستقیماً به هسته‌های قدیمی شهر افزودند و این عمل به نابودی کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، سنتی، دینی و کالبدی بعضی از این شهرها منجر گردیده است.

با وجود این، در آسیای مرکزی به شهرهایی بر می‌خوریم که دارای اصالت و ارزشهای اسلامی است. مثلاً در شهر بخارا با اینکه دو دوران روسی - شوروی را پشت سر گذاشته است، لکن هنوز بهترین ترکیب شهرهای اسلامی را می‌توان یافت. مخصوصاً دوران هفتاد ساله شوروی سوسیالیستی که به نابودی سنتها گراییده و طرحهای جدید شهری در آن پیاده شده است. با وجود این چهره و بافت شهر قدیمی اعتقاد ساکنین شهر را با وضوح تمام به نمایش می‌گذارد. در بافت قدیمی بخارا برج و باروی شهر، بازار، مدارس و مساکن باستانی جلوه خاصی به شهر بخشیده و پایداری مردم در حفظ سنتهای آباء و اجدادشان را به روشنی ثابت می‌کند. موقعی که انسان در بخارای قدیم به بازدید و مطالعه مبادرت می‌کند، زندگی عصر تیموری در ذهنش نقش می‌بندد. گنبدهای نیلگون و کاشی‌کاری بسیار زیبای مساجد، ارگ شهر، مدارس و بخشهای آموزشی آن عصر همه حکایت از عظمت و شکوه گذشته آن دارد.

روسها در کنار شهرهای اسلامی به ساختن شهرهای جدید کمونیستی پرداختند که از ویژگیهای آن وجود آن میدانها و خیابانها بود که گاهی چنین حرکتی منجر به نابودی بافتهای سنتی و قدیمی گردیده است. برای بهترین مثال می‌توان سمرقند را نام برد که تضاد شدیدی در شهر قدیم و جدید به چشم می‌خورد. اما بعد از تحولات سیاسی اتحاد جماهیر شوروی بار دیگر سمرقند و بافت سنتی آن قویاً مورد توجه ساکنین آن قرار گرفته است و بازسازیهای وسیعی در آن به چشم می‌خورد. در شهر بخارا نیز حرکتهای عمران شهری بی‌شبهت به سمرقند نیست، بطوری که مساجد و مدارس متروک یکی بعد از دیگری دایر و آنچه که یادگار گذشته این شهر است توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند. از سمرقند و بخارا در سال ۱۳۷۲ دیدن کردم، بافتهای قدیمی را در حال فروریختن دیدم. شاید این وضع ساختمانها را کم و بیش در اغلب شهرهای سنتی اسلامی دنیا مشاهده بنماییم، اما مالکیتهای خصوصی،

آنها را به این زودی‌ها به نوبه فراموشی نسپرده است و مراکز گذران اوقات فراغت (ورزشی، تئاتر، هنرهای مختلف، میدانهای تجمع انسانی) که از ویژگیهای شهرهای سوسیال - کمونیستی بوده نقش مهمی در بی رونقی بافت قدیم داشته است. از شهرهای سنتی آسیای میانه می توان خیوه و مرو را نیز نام برد. مشاهده بازار هفتگی مرو زندگی در دوران قبل از صنعتی شدن را در ذهن ما تداعی می کند. شهرهای مهم آسیای مرکزی بعد از تحمیل سیستم سوسیالیستی، قدرتهای دینی قدیمی را کم و بیش از دست داده، ولی با وجود این، مراکز مذهبی با کمی رونق خود هنوز بر روی انسانهای مؤمن و مسلمان باز است. محلات قدیمی این شهرها که خصیصه خاص خود را داشته بطوری که هر قوم و قبیله ای و هر گروه صنفی و یا پیروان هر فرقه ای در مکان خاصی جای داشتند و بعد از دوران کمونیستی تقریباً از بین رفته است. تنها محله یهودیان در بعضی از شهرهای اسلامی این منطقه با مراکز دینی فعال توجه انسان را به خود جلب می کند.

مراکز اقتصادی این شهرها را که روزگاری بازارها با عناصر اصلی خود تشکیل می داد، اکنون با توسعه جدید شهر یا کلاً به نابودی کشیده شده و یا مانند بخارا بخش کوچکی از آن به یادگار مانده است. خیابان کشی های جدید شهر، بازار شهرها را چنان در خود بلعیده که با دید جغرافیایی می توان آثار گذشته را در ذهن تجسم کرد. اگر از بازار بقایایی مانده باشد تغییرات اساسی در آن به وجود آمده و کاربری آنها نیز دگرگون شده است.

آثار باستانی مهم و پردازش شهرهای اسلامی آسیای میانه را مراکز دینی به ویژه مساجد و مدارس تشکیل می دهند که برای جلب توریست بخشهایی از آن احیاء گردیده است و بعد از تحولات جدید سیاسی توجه بیشتری نیز بدان مبذول شده است. شهر مرو جدید، امروزه در فاصله حدود ۲۵ کیلومتری قدیم بنا شده است و بخش قدیمی به کلی ویران گردیده است. با وجود نظامی که در استقرار عناصر اصلی بافتهای قدیمی شهرهای اسلامی وجود داشته است اما ترکیب شبکه ها و کوچه ها از هیچ قاعده خاصی پیروی نمی نموده و به نظر می رسد که از ابتدا بر مبنای طرح قبلی و اندیشه نبوده اند و به همین دلیل آنها را در اصطلاح جزء بافتهای شهری آشفته به حساب می آورند. (۳)

تمدن غرب و شهرهای اسلامی

ترکیه که زودتر از ایران با تمدن غرب آشنایی پیدا کرده، شهر استانبول و از میر را دستخوش تغییر و تحول بزرگی قرار داد. در کشور ما نیز تهران چنین دگرگونی بزرگ را زودتر از سایر شهرها پذیرفت. البته از دوران ناصرالدین شاه ایجاد بافت شطرنجی یعنی یک روش کاملاً اروپایی را در شهر تهران مشاهده می‌کنیم، که دوپلانول آن را زیر عنوان: «تحول تهران از صورت یک شهر اسلامی به صورت یک متروپل ایرانی به تصویر کشیده است.^(۴) به نقشه طرحی ساده از نقشه شهر تهران مراجعه شود. سایر شهرهای ایران نیز به تبعیت از تهران پذیرای احداث خیابانهای جدیدی شدند تا از حرکت اتومبیل در داخل شهر بهره‌مند شوند. در دوران رضا شاه کلیه شهرهای سنتی ایران دارای حداقل یک خیابان اصلی شد، ولی شهرهای بزرگ سنتی ایران مانند تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز خیابانهای بیشتری پیدا کرد. همزمان با احداث خیابانهای جدید شهری حصارهای قدیمی شهر برچیده شد تا بدین وسیله مانع گسترش شهری از بین رفته باشد.

خیابان‌کشی‌های جدید شهرهای ایران بدون داشتن دانش شهرسازی صورت گرفت. بطوری که در اغلب شهرهای ایران از هم گسیختگی بازار کاملاً قابل مشاهده است. این عمل چنان لطمه بزرگی بر پیکر بافت بازار شهرهای سنتی وارد آورد که شهرسازان و طراحان فعلی ما را به فکر احیاء بازار و ایجاد زیر گذر در مسیر بازار انداخته است. در دوره رضا شاه شهرهای کوچک به شیوه شطرنجی طراحی گردید که از جمله می‌توان از سلماس و آبادان نام برد.

در جهان اسلام از نظر پراکندگی جغرافیایی شمال آفریقا، جنوب غربی آسیا، پاکستان و شمال غربی هند، آسیای میانه توجه جغرافیدانان را در مورد خصیصه شهرهای اسلامی به خود جلب نموده بطوری که است. نفوذ اصول شهرسازی غربی در این منطقه از نظر زمانی و مکانی متفاوت بوده، بطوری که بعضی از ممالک به پذیرش چنین اصولی زودتر و بعضی دیگر دیرتر تن داده‌اند.

جغرافیدانان این اصل را که سرزمینهای اسلامی قبل از نفوذ غرب دارای فرهنگ و الگوی شهری واحدی بوده‌اند قبول دارند. اما بعد از نفوذ استعمار، مشاهده

می‌گردد که شهرهای حوزه فرهنگ اسلامی هر یک با پذیرش فرهنگ جدید شهرهای غربی، دستخوش تغییر و تحول شدیدی شده‌اند. البته ممالک اسلامی هر یک نسبت به زمان و مکان و یا نفوذ ممالک غربی و استعماری در پذیرش الگوی آنها و ساختار جدید شهری دچار دوگانگی شده‌است. لذا در جهان اسلام نمی‌توان شهری را معرفی کرد که اصالت قدیمی و سنتی خود را صد در صد حفظ کرده باشد.

بافتهای جدید و قدیم شهری

مطالعه بر روی شهرهای اسلامی بیانگر این واقعیت است که اغلب آنها به دو بافت جدید و قدیم تقسیم شده‌اند و مرز آن دو با یکدیگر قابل تشخیص است. اگر به طرح شماتیک دتمان که شهرها دارای حصار می‌بودند توجه نماییم، با صنعتی شدن سرزمینها به ویژه در قرن بیستم و بالاخص در سالهای بعد از ۱۳۰۰/ش و بویژه جنگ جهانی دوم، برج و باروی شهرها برچیده شد، انجام چنین کاری گاهی با تجددگرایی و نفوذ تمدن غرب و زمانی با افزایش بی‌امان جمعیت شهرها و در نتیجه گسترش فضاهای شهری به نابودی کشیده شده‌اند، اما وجود بافتهای فرسوده شهری در اغلب آنها کلید مناسبی برای شناسایی آنها است. البته نباید تصور کرد که این دوگانگی تنها در کالبد فیزیکی شهر به چشم می‌خورد، بلکه تفاوتهای فاحشی نیز در کارکردهای متفاوتی که بافت جدید و قدیم دارد قابل درک می‌باشد.

لذا در مطالعات شهرهای اسلامی به ویژه شهرهای بزرگ سنتی، جادارد که پژوهشگران به دو بافت جدید و قدیم از بعد اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی توجه بیشتری مبذول دارند. چنانچه جغرافیدان اتریشی به نام «مارتین زگر» در مطالعات خود تحت عنوان: «تهران»، شهر تهران را به تصویر شماتیک کشیده‌است که برای درک مطلب ذیلاً آورده می‌شود. در این طرح بافت جدید و قدیم را با توجه به کارکردها و روندهای رشد و روابط آنها با یکدیگر مشاهده می‌کنیم. البته طرح زگر شاید برای مبدل‌سازی شهر تهران مورد قبول اغلب جغرافیدانان واقع شود، اما تعمیم آن به عنوان یک مدل فراگیر شهر اسلامی جای سؤال دارد. در مدل مزبور بافت جدید و قدیم به عنوان دو بخش متفاوت و متضاد از نظر فضای ظاهری ساختمانها و کارکردهای آنها به

نمایش گذاشته شده است. مارتین زگر کوشش کرده‌است تا بافت جدید و قدیم شهر تهران را از نظر ساخت اکولوژی شهری و نشان دادن مناطق مختلف شهری از جمله مرکز اقتصادی شهر یعنی بازار و بخش جدید بازرگانی شهر و یا پراکندگی جغرافیایی ادارات دولتی در شهر و مراکز صنعتی را حتی الامکان نشان دهد. او در مطالعات خود کوشش کرده تا از بخش مسکونی شهر تصویر روشن‌تری را ترسیم نماید. بطوری که آن را به سه بخش ثروتمند نشین، فقیرنشین و قشر متوسط جامعه شهری تقسیم نموده‌است که آنها را به نامهای ویلا و نشین‌ها آلونک‌نشین‌ها و یا آپارتمان‌نشین‌ها می‌نامد. او در توصیف شهر تهران به جاده‌ها و خطوط آهن، باغات و مزارع کشاورزی کمربند بیرون شهر اشاره نموده‌است. از مطالعه نوشته‌های مارتین زگر این نتیجه حاصل گردیده‌است که تهران به صورت یک شهر چند قطبی درآمده‌است.^(۵)

در طرح زگر تمایز صوری و کارکردی رابه روشنی مشاهده می‌کنیم بطوری که بازار در مرکز شهر قدیمی نه تنها به عنوان اهرم قدرتمند اقتصادی هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد، بلکه از نظر سیاسی، اجتماعی مذهبی و صنف بندی درونی خویش، سنتهای دیرین خود را همچنان حفظ کرده‌است. مشتریان بازار، هم از نظر کمی و هم کیفی در مناطق مختلف آن یکسان نیستند و معمولاً مرکز بازار کالاهای ارزشمند و حاشیه آن به فروش کالاهای ارزان قیمت مبادرت می‌کنند. در کمربند بیرونی شهر قدیمی (مدینه) به بخشهای بازرگانی مدرن - مراکز اداری دولتی، فروشگاههای جدید به شیوه غربی، بانک و بیمه‌ها، سینماها، سفارتخانه‌ها، رستورانهای مدرن که در واقع همه الگوی غربی - استعماری را به دنبال داشته‌اند برمی‌خوریم. زمین در بخشهای جدید از قیمت بسیار بالایی برخوردار است و معمولاً همین بافتهای جدید را ثروتمندان به عنوان محل سکونت خویش انتخاب می‌کنند. در بخش جدید هم می‌توان مانند بافت قدیمی سخن از بخش مسکونی ثروتمندان و حاشیه‌نشینان و طبقه متوسط به میان آورد.

در پایین قسمت نمودار فوق به روابط و مناسبات کارکردهای گوناگون شهر با یکدیگر و ارتباط بین اقشار مختلف اجتماعی با بازار و مرکز بازرگانی و اداری شهر و مرکز داد و ستد و مشاغل مختلف شهر را مشاهده می‌کنیم. در نمودار فوق هنوز به اهمیت بازار و ارتباط آن با صنایع دستی سبک، پی می‌بریم که طبقه متوسط یا کم درآمد

خرید خود را از همانجا انجام می دهند. شش ماهی زینت است اما میوه است و نه غذا. در خاتمه بی مناسبت نیست که بگوییم شهرهای اسلامی چند هسته‌ای با کارکرد گوناگون اغلب با دوگانگی چشمگیر و تمایزات شهری مواجه هستند که در هر یک از سرزمینهای اسلامی دارای تنوع خاصی می باشد اما کلید اصلی شناخت شهرهای اسلامی که همه جغرافیدانان در آن متفق القولند بازار سنتی آن می باشد که قلب اقتصادی و مرکز سازماندهی اجتماعی شهرهای اسلامی اغلب بر دوش آن گذاشته شده است.

اهلرس در مطالعات خویش تحت عنوان شهر اسلامی - شرقی پیوسته این سؤال را مطرح می کند که آیا برای شناخت هویت شهرهای اسلامی معیارهای یاد شده کافی به نظر می رسد و آیا دوگانگی ویژه‌ای که در شهرهای اسلامی قرن اخیر تحت عنوان بافتهای جدید و قدیم مورد مطالعه خویش قرار دادیم در سایر مناطق جغرافیایی به چشم نمی خورد؟ لذا در بررسیهای جغرافیایی خویش باید به تحقیقات بیشتری دست زد تا بلکه شاخص مناسب تری در شناخت شهرهای اسلامی پیدا کرد. (۶)

رابطه شهر با پیرامون خود بیشتر شامل فعالیتهای اقتصادی است که به شیوه سنتی به چشم می خورد، اما صنعتی شدن شهرها که در حقیقت الگویی از صنایع شهرهای غربی است و یا مراکز اقتصادی دیگر نظیر بانکها، بیمه‌ها و شرکت‌های حمل و نقل که پدیده‌ای جدید برای شهرها به حساب می آید که همه سازماندهی‌های سنتی را تقریباً از کار انداخته و یا این نوع فعالیتها فقط در بخشهای قدیمی شهرهای بزرگ یافت می شود. سنت‌گرایی اقتصادی گاهی در شهرهای کوچک و متوسط به مراتب بیشتر از شهرهای بزرگ مشاهده می گردد، مخصوصاً در شهرهایی که دورتر از مادر شهرها و یا پایتخت قرار گرفته‌اند. باید اذعان کرد در این زمینه به تحقیقات بیشتر نیاز است تا روشن نماید که آیا شیوه‌های اقتصادی دیگری نشأت گرفته از حوزه‌های فرهنگی کشورهای در حال رشد وجود دارد یا خیر؟ به احتمال قوی هر یک از آنها نسبت به وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش باید دارای هماهنگی متناسبی باشد. از این رو باید گفت که «نظام مکان مرکزی سلطه» با خصوصیات ویژه خود که بر اساس سرمایه‌داری بهره‌بری بنیان نهاده شده، مناسبات شهر و مناطق روستایی را در

برگرفته یعنی خصیصه‌ای که هرگز در شهرهای غربی قابل مشاهده نیست. بعضی از جغرافیدانان معیارهای یاد شده قبل را برای شناخت ماهیت شهرهای اسلامی کافی نمی‌دانند، لذا در جستجوی شاخصهای دیگری هستند که در بین آنها ویرت جغرافیدان آلمانی مطالعه عمیق تری در این زمینه انجام داده. او توانسته است با اشاره به زندگی خصوصی گرای، شهرهای اسلامی را در مقابل شهرهای غربی که عمومی‌گرا می‌باشند به تصویر بکشد. ویرت نفوذ دین مسیحی اسلام را در چهره و ساخت شهرهای اسلامی بسیار مهم می‌داند و اعتقاد دارد که در سرزمینهای اسلامی شیوه زندگی نشأت گرفته از دین اسلام بوده و می‌تواند کلیدهای مناسبی در شناخت آنها برای ما عرضه نماید. در این زمینه بوناین^(۷) به ساختار فیزیکی شهرهای اسلامی اشاره کرده و رو به قبله بودن ساخت آنها را مورد مطالعه خویش قرار داده است. او به جهت یابی مساجد جامع شهرهای اسلامی به سوی قبله و جهت‌گیری تخیابانها و معابر عمومی آن اشاره می‌کند. مطالعات مزبور شاید نتواند به تنهایی فنانیست شهرهای اسلامی را برای ما روشن نماید، اما در مجموع به فهم مطلب کمک شایانی خواهد کرد.

وقف و شهرهای اسلامی

تأثیر وقف را در اغلب سرزمینهای اسلامی و به ویژه شهرهای آن مشاهده می‌کنیم. اما پژوهشگران جغرافیا تنها در دو دهه اخیر است که به اهمیت موضوع پی برده و تحقیقاتی در این زمینه انجام داده‌اند. در صورتی که محققین سایر رشته‌ها چون اسلام‌شناسان و مورخین از دیرباز در مطالعات فرهنگ شهری در ممالک اسلامی، بدان توجه نموده‌اند. از جغرافیدانان، اهلرس در مقاله «شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت» به تأثیر وقف، در جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهرهای اسلامی توجه نموده و اهمیت آن را علاوه بر اهمیت تکوینی و مکانی از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه خویش قرار داده است. او به اهمیت ایجاد شهرها و تأثیر وقف در امپراطوری عثمانی و صفویه به ویژه در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی اشاره می‌کند: مثلاً در استانبول قرن ۱۵ و ۱۶ شهر از ۱۳ ناخیه و هر ناخیه از چند محله تشکیل می‌شد بطوری که شهر استانبول در آن موقع دارای ۲۱۹ محله بود و مساجد هر

یک از محلات از عواید موقوفات متنوع اداره می‌شد. مطالعه وقف نامه‌های آن عصر (مربوط به شهر استانبول) روشنگر آن است که بسیاری از محلات استانبول با درآمد موقوفات روستاها بنا گردیده و حتی درآمد رقبات روستایی در ساختن مساجد محلات شهر نقش مهمی داشته‌است و این عمل نقش سرمایه‌داری بهره‌بری را در آن دوره برای هر خواننده تداعی می‌کند که با درآمد موقوفات مناطق فقیر بناهای مذهبی در شهرهای بزرگ بنا می‌گردید.

در قرن ۱۶ و ۱۷ دو امپراطوری عثمانی و صفوی به موقوفات شهرهای خود توجه خاصی مبذول داشته‌اند. بطوری که شهرهای استانبول، حلب، اصفهان، مشهد از نظر موقوفات دارای اهمیت خاصی بوده‌اند.

در شهرهای متوسط و کوچک نیز نقش موقوفات بسیار چشمگیر بوده و است. مثلاً دکتر مصطفی مؤمنی موقوفات شهر ملایر و تأثیر آن را در این شهر به رشته تحریر درآورده است و متن وقفنامه شیخ الملوکی را که به سال ۱۲۳۷ ه. ق تهیه و تنظیم شده‌است برای مطالعه علاقه‌مندان عیناً درج نموده‌اند که حاوی مطالب جغرافیایی باارزشی است.^(۸)

با مطالعات کوتاهی که بر روی موقوفات شهری و تأثیر آن در ساختار فضایی و کالبدی شهرهای اسلامی به عمل آمده، هنوز اهمیت آن از نظر کالبدی و کارکرد شهرهای اسلامی چندان مشخص نیست و علت آن را باید یا در کمی مطالعات جغرافیایی در این زمینه جستجو کرد و یا کم توجهی جغرافیدانان سرزمینهای اسلامی موجب ناشناخته ماندن این مقوله مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردیده‌است. برای اینکه به اهمیت و تأثیر جغرافیایی وقف در یک شهر اسلامی واقف شویم به مطالعه تأثیر آن در شهر اصفهان خواهیم پرداخت.

وقف و بازار

توسعه بازار و بنای بیشتر آنها با آگاهی با اهداف مذهبی صورت می‌گرفت، این بازارها به خصوص برای تأمین بودجه نگهداری بناهای با اهمیت مذهبی و مؤسسه‌های خیریه ساخته می‌شد. البته گاهی نیز این نوع حرکات مذهبی، جنبه سیاسی داشت، تا

اعتبار اجتماعی و سیاسی بانی آن را بالا ببرد. بناهای وقفی موجود در بازار نیز گاهی به صورت ماهرانه‌ای به بناهای مذهبی متصل می‌شد و درآمد آن صرفاً برای نگهداری آنها به کار می‌رفت، مانند درآمد بیشتر دکانهای شبکه‌های بازار اصفهان و یزد که خرج مدارس و مساجد می‌شود که در همین بخش قرار دارد.

سلاطین قرن شانزدهم در بخش جنوبی شهر قدیم حلب تعدادی بازار ساختند که بعضی از آنها دارای هویت اصیل معماری بود و با یک نظام هماهنگ و متشکل از طاق و گنبد به بناهای وقفی اصلی، متصل و مرتبط می‌شد. در اصفهان عصر صفویه نیز از این نوع مجموعه‌های وقفی زیاد وجود دارد مانند مجموعه وقفی مدرسه سلطانی (مدرسه چهارباغ) (به نقشه مجموعه وقفی مدرسه سلطانی مراجعه فرمائید). در قاهره نیز بازار بزرگ و سرپوشیده‌ای که قصبه رضوان نامیده می‌شود دارای مجموعه‌ای از این نوع موقوفات است.

اهمیت و تأثیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وقف در شهرهای اسلامی

با این مقدمه کوتاه دریافتیم که وقف نه تنها از نظر کالبدی در ساختمان‌سازی شهر به ویژه بناهای مذهبی اهمیت ویژه‌ای دارد، بلکه از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان شهری است، تأثیری که وحدت جغرافیایی خاصی را به شهرهای اسلامی بخشیده است. ممکن است ساکنین شهرها از اثرهای وقف در شهرهای اسلامی آگاهی عمیق و دقیقی نداشته باشند، اما پژوهشگران به تأثیر آن در زندگی روزمره مردم واقف می‌باشند.

اهلرس در تأثیرپذیری موقوفات در شهرهای اسلامی - شرقی به چهار کارکرد اصلی اشاره می‌کند که بطور اختصار ذیلاً آورده می‌شود:

۱- تأمین قسمتی یا تمام هزینه‌ها و وظایف و مراسم و مراکز دینی جامعه و تعمیر و مرمت آنها اعم از مساجد، مدارس علمی و حسینیه و تکایا که به پایداری آنها کمک شایانی نموده است و یا برگزاری مراسم عزاداری و اعیاد و جشنهای دینی که هزینه‌های آن از محل درآمد موقوفات تأمین شود.

۲- کمک به فقرا و مستمندان، دانش‌آموزان، اداره و نگهداری برخی از

بیمارستانها، حمامها، آب انبارها، یخچالها، از محل درآمد موقوفات .
 ۳- تهیه و تأمین مسکن ارزان قیمت، واگذاری زمینهای وقفی به اجاره
 طویل‌المدت به مردم، واگذاری مغازه‌ها و کارگاهها با اجاره ارزان، دریافت سرقفلی
 ناچیز به خصوص در بازار.

۴- ایجاد اشتغال در املاک و اماکن متبرکه، تأسیسات، مستغلات، بازرگانی،
 صنعتی و سازمانهای اوقاف شهرها که می‌توان آستان قدس رضوی را به عنوان
 بزرگ‌ترین تشکیلات موقوفات جهان اسلام یاد کرد. مثلاً آستان قدس رضوی با
 داشتن ۱۷۳۲ نفر نیروی انسانی شاغل معرف یک تشکیلات بسیار عظیم وقفی است و
 یا در مراکش تنها در سازمان مرکزی اوقاف کشور چند صد نفر در استخدام این
 سازمان بوده است یا در اورشلیم سازمان اداری اوقاف دارای ۱۵۷ نفر کارمند می‌باشد
 و در کرانه غربی جمعاً ۵۶۸ نفر در سازمان اوقاف مشغول کارند.^(۹)

در بعضی از شهرهای کوچک ایران چون تفت از ۳۶۳/۸ هکتار زمینهای زراعی - باغی
 شهر حدود ۱۱/۷ درصد به زمینهای موقوفه تعلق دارد و نقش موقوفات در این شهر از
 نظر اقتصادی در سطح بالایی قرار دارد.^(۱۰) درآمد بعضی از شهرهای اسلامی از
 موقوفات بسیار بالاست. مثلاً درآمد استان اصفهان در سال ۱۳۷۵ بالغ بر
 ۵۹۳۸۱۷۷۷۶۴ ریال گزارش شده است^(۱۱) که مبلغ قابل توجه آن متعلق به شهر
 اصفهان است.

موقوفات غیرمنقول به ویژه بناهایی چون مساجد، مدارس، حمامها، بازارها،
 تکایا، امامزاده‌ها که دارای ساختار پایداری می‌باشند به صورت موانع کالبدی در اغلب
 شهرهای اسلامی تلقی می‌شود. مخصوصاً نوسازیهای شهری که همیشه توأم با ایجاد
 خیابان‌کشی‌های جدید در آنها می‌باشد، گاهی ابعاد سیاسی به خود
 می‌گیرد. مخصوصاً اگر در ساختمانهای وقفی در دورانی ساخته شده باشند که
 حکومت‌های اسلامی روی کار بوده و اکنون با تغییرات حکومتها مدیریت آنها به دست
 غیرمسلمانان افتاده باشد در این صورت مشکلات سیاسی را کم و بیش به دنبال
 خواهد داشت. مثلاً در اورشلیم تحت اشغال اسرائیل، ادارات اوقاف با مستغلات
 وقفی وسیع خود مانع بسیار بزرگی در توسعه به شمار می‌آیند، اما به علت حرمت
 موقوفات نزد مسلمین قادر به دست اندازی بدانها نیست و یا به خاطر ملاحظات

سیاسی ظاهری هم که باشد اسرائیل مایل به این کار نمی‌باشد. در شهرهای هند چون دهلی و سایر شهرهای غربی این کشور که در دوران حکومت مسلمانان احداث شده‌اند با توجه به حکومت فعلی غیر مسلمان هندی این موقوفات بعد سیاسی به خود گرفته است.

وجود وزارتخانه‌ها و سازمانهای اوقاف و امور خیریه در کشورهای اسلامی نشانگر اهمیت سیاسی نهاد وقف در حال حاضر است. یکی از جغرافیدانان آلمانی به نام شتوبر* که مطالعاتی درباره اهمیت وقف در شمال مراکش نموده است، به وجود وزارت اوقاف «حبوس» اشاره نموده و از مناطق مسکونی جدیدی که توسط وزارتخانه مزبور بنا شده است یاد می‌کند. (۱۲)

پژوهشگران اسلامی پیوسته محققین غربی را در مطالعات موقوفات به باد انتقاد می‌گیرند. آنها اعتقاد دارند که غربیها اولاً یک جانبه و ثانیاً براساس فلسفه عقلایی غربی به تجزیه و تحلیل موضوع می‌پردازند و این عمل بیانگر بی‌ارزش شمردن حوزه فرهنگ اسلامی است.

بر این اساس، مورخ ترک «اینالچیک»** مدرس در آمریکا مردم شناسان و جغرافیدانان را به دید انتقادی نگریسته و می‌نویسد آنها موقعی به حقیقت دست خواهند یافت که دست به پژوهش‌های میدانی زده و در آرشیوها به مدارک لازم درباره شهرهای اسلامی دست یابند. یعنی بدین وسیله ایدئولوژی شهر اسلامی مطرح می‌گردد. به عبارت دیگر شکل کالبدی شهرها، چون سیمای افقی و نمای ظاهری آنها، تفاوت‌های درون‌شهری و کارکردها و دگرگونی کالبدی تنها شامل بخش کوچکی از فرهنگ شهری، شهرهای اسلامی هستند و شاید حتی آن بخش بسیار شاخص یا نمونه فرهنگ شهری مفروض شرق اسلامی را هم در بر نگیرند. در این صورت تا موقعی که سنتهای پژوهشی و استدلال علمی غربی که مانند زنجیری بر یکدیگر استناد و استشهاد می‌کنند تفسیرهای معینی را بسط می‌دهند، در این صورت از واقعیت‌های علمی دور می‌شوند. در حالی که واقعیتها ممکن است خودشان را به مثابه نظام‌های ارزشی و به منزله حقایقی خاص متداول در جریان زندگی روزمره مردم از دید تحلیل

پژوهشگران پنهان کنند. با وجود این شاید همین واقعیتها گوهر اصیل فرهنگ شهری آفریده اسلام باشند.

به این نکته نیز باید اشاره شود که تنها معدودی از دانشمندان غربی، زبان ممالک اسلامی را به خوبی می‌دانند. از این رو آنها توانایی برقراری ارتباط مستقیم با مردم را ندارند. گاهی محققین غربی توان استفاده از مدارک موجود و یادکرد محتوای آن را که به زبانهای عربی، فارسی، ترکی، اردو می‌باشد ندارند. نظر بعضی از دانشمندان اسلامی چون «حکیم» درباره شهرهای عربی - اسلامی که به نام «اصول طراحی شهری، مدینه تونس» که به سال ۱۹۸۶ به زبان انگلیسی انتشار یافته است، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد خکیم در کتاب خود شهر قدیم تونس را بازتاب اصول ساختمانی و طراحی همخوان و همسازگار با دین مبین اسلام تفسیر می‌کند:

او سیمای مدینه تونس، آرای بی‌بناها، کارکرد آن و نیز معماری یکایک ساختمانهای بافت قدیم شهر را الهام گرفته از دستورات قرآن کریم دانسته است. (۱۳)

باید شهرهای اسلامی به ویژه شهرهای قبل از صنعتی شدن و نفوذ تمدن غرب را بازتاب اصول ساختمانی و طراحی همخوان و سازگار با اسلام دانست یعنی شهرهای اسلامی را باید نشأت گرفته از دیدگاه دینی توجیه کرد، و عنصر دینی را همیشه در تعریف یک شهر اسلامی در مد نظر داشت، چه دین مبین اسلام دین شهری است و تردیدی نیست که فضا و کالبد و درون زندگی شهری از آن متأثر است. پیدا کردن کلید شناسایی شهر اسلامی را نگارنده در گرو شناخت فقه اسلامی جغرافیدانان می‌داند تا تحقیق به صورت ریشه‌ای و اصیل درآید و نوشته متقدمین را کامل تر نماید. برای آگاهی علاقه‌مندان به تأثیر جغرافیایی وقف، یکی از شهرهای ایران اسلامی یعنی «اصفهان» را به عنوان نمونه انتخاب کرده و تأثیرهای جغرافیایی آن را مورد مطالعه خویش قرار داده‌ایم که در مجله، میراث جاویدان شماره ۱۹-۲۰ سال ۱۳۷۶ منتشر گردیده است.

سیمای شهر شرق اسلامی در مقایسه با زندگی و فرهنگ غربی

با نام اویگن ویرت جغرافیدان آلمانی آشنایی داریم. او استاد جغرافیای

دانشگاه ارلانگن، متخصص جغرافیای کشورهای اسلامی و به ویژه شهرهای اسلامی است. نظریات او پیوسته مورد استفاده جغرافیدانان بوده و افکار فلسفی او الهام‌بخش نوشته‌های جغرافیایی این دانشمند بوده است. او قبل از اینکه درباره شهرهای اسلامی سخن گوید، با فرهنگ این سرزمینها آشنایی پیدا می‌کند تا بتواند تأثیر فرهنگ را در ساختار فضایی و کالبدی شهر اسلامی بیان نماید.

ویرت در دهه اخیر کوشش کرده تا تصویری از چشم‌انداز و ویژگیهای اصلی یک شهر اسلامی را در خاورمیانه ترسیم نماید. استفاده از علوم مختلف مانند زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و اسلام‌شناسی را به منظور درک مفهوم جغرافیایی از عملکردها و وظایف یک شهر از طرفی و ساختار فیزیکی شهر که همان ساختمانها و سازمان و تشکیلات یک شهر باشد از طرف دیگر مورد توجه قرار داده است. ویرت توانسته با مطالعات خویش به خصیصه‌های پنجگانه شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا دست یابد که شهرهای کلاسیک و اروپای قرون وسطی فاقد آنها هستند.

۱- کوچه‌های بن‌بست در بافتهای مسکونی.
۲- حفظ حجاب سکونت‌گاهها در برابر انظار عمومی و وجود حیاط داخلی در مساکن.

۳- قرار گرفتن مساکن انسانی در کنار هم بطوری که از بیرون محصور شده‌اند.

۴- توجه به دفاع در پشت دیوارها در برابر حملات و مشاجرات احتمالی.

۵- وجود بازار یا سوق که به عنوان مرکز خرید، فروش و اشتغال پیشه‌وران در شهرهای خاورمیانه شناخته شده است.

اکثر این ویژگیها در شهرهای باستانی مشرق زمین در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد وجود داشته، لذا خصیصه‌های فوق را می‌توان به شهرهای باستانی خاورمیانه نیز نسبت داد. البته این موضوع کم و بیش در جغرافیای خاورمیانه شناخته شده و مورد بحث قرار گرفته است. اما روح علمی حکم می‌کند به اطلاعاتی که تا کنون به دست آمده است نباید اکتفا کرد، بلکه سؤالاتی برای ما مطرح است که بایستی به آنها جوابهای قانع‌کننده‌ای داده شود. (۱۴)

شهر محیطی که توسط مردم برای رفع نیازهای آنها ایجاد شده است

بی‌مناسبت نیست که سؤال خود را در مورد وظایف شهر شروع کنیم. ویرت که به سال ۱۹۷۵ طی مقاله‌ای درباره شهرهای اسلامی و غربی پرداخته بدون آنکه به اختلاف فرهنگی اشاره نماید شهرهای مشرق و مغرب زمین را دارای خصوصیات مشترکی می‌داند. او به توضیح مکان مرکزی شهرهای این مناطق جغرافیایی پرداخته که حوزه نفوذ یک ناحیه می‌باشد. بنابراین در این مورد وظایف یکسانی به عهده آنها است و این وظایف را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

وظیفه دولت و دفاع شهر، وظایف اقتصادی و تجاری شهر و همچنین وظیفه زندگی معنوی و مذهبی شهر.

قصر یک سلطان مسلماً با کاخهای یک سرزمین اروپایی متفاوت است. یک مسجد جامع با کلیسا حتماً تفاوتی دارد یا یک قیصریه با یک اطاق بازرگانی اروپایی فرقی کلی دارد. اما ساختمانهای مربوطه و مؤسسات شهری کاملاً یکسان و مشابه همدیگرند. در مقایسه با وجوه مشترک همه شهرها به نظر می‌رسد که زمینه‌های فرهنگی در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

شهرها نه فقط وظایف مکان مرکزی را برای مناطق اطراف و یا برای یک کشور انجام می‌دهند، بلکه وظایف کاملاً مشخصی را برای مردم همان شهر به عهده دارند. هر شهری، چهارچوب خاصی را که به وسیله نیازهای مردم ایجاد شده است نشان می‌دهد. در واقع شهر یک محیط ساختگی جوامع بشری است که طی نسلهایی ساخته شده و از نسلی به نسل دیگر به یادگار مانده است. بنابراین شهر محلی است که از تأثیر متقابل اجتماعی پدید آمده است. از این زو شهر اسلامی می‌تواند به عنوان طراحی و معماری انتخاب شده‌ای تصور گردد که مانند هر جامعه بشری با زمینه‌های فرهنگی جامع کامل می‌گردد.

مردم هر مکان جغرافیایی با سلیقه خود محیط جدیدی را که با طبیعت هماهنگی دارد می‌آفرینند. در منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک طرح این گونه شهرها به مختصات فرهنگی منطقه برمی‌گردد و بیش از آنچه که به کارهای اساسی دولت مربوط باشد بطور کامل و قاطع با فرهنگ اسلامی ارتباط دارد. اما در زمینه فرهنگ

ایرانی، عربی، ترکی، هندی، پاکستانی و بربری و یا سیاستهای مختلفی چون عباسی، تیموری، مملوکی، صفوی و عثمانی و حتی تشکیلات اجتماعی و اقتصادی نیز مؤثر می‌باشد. البته این نکته قابل ذکر است که وظایف هر شهری اصولاً به منظور تأمین نیازمندیهای ساکنان آن برآورد می‌شود که بسیار متنوع هستند مانند دفاع در مقابل حملات احتمالی دشمن، تأمین نیازمندیهای روزانه (آب و غذا و ...) و یا احداث بناهای عمومی که جهت کار و آموزش حرفه‌ای ضروری هستند. اما از بناهای عمومی شهری مراکز فرهنگی، مذهبی و دینی و غیره وجود دارد مانند مسجد، آرامگاه، مقابر متبرکه، امامزاده، مدارس دینی، کتابخانه، بازار، حمام، قهوه‌خانه، گورستان، زورخانه، پارکها و باغها که نقش مهمی در ساختار فضایی شهرهای اسلامی دارند. البته از این مراکز آن دسته دارای اهمیت بیشتری می‌باشند که هدفشان تأمین نیازهای اقتصادی، سیاسی، خیریه و رفاهی باشد. مخصوصاً سرمایه‌گذاریهای بزرگ در مستغلات خصوصی یا سازمانهای خیریه، مذهبی، با این هدف بنیان نهاده می‌شود که احداث آنها نیازهای دوره‌بازنشستگی را به نحو احسن برطرف نماید.

مثلاً ساکنان شهرهای اسلامی به منظور برگزاری جشنهای مذهبی، سوگواری‌ها، مراسم سیاسی - عبادی که در واقع از دین مبین اسلام و فرهنگ آن نشأت گرفته‌است نیاز به راههای عریض و طویلی دارد تا دسته‌های عزاداری، راه‌پیماییها، جشنها، تظاهرات، عبادات و یا اسب‌دوانی و تیراندازی، مهمانیها، آراء عمومی، اعدام بدکاران در ملاء عام که همه به فضاهای باز عمومی نیازمندند صورت گیرد و در نتیجه فعالیت شهر در سطح بسیار گسترده با سازماندهی قوی در این شهرها مطرح است. و یرت معتقد است که این بناها و بافت شهرها به عنوان صحنه‌های نمایش تشریفات و آیین‌ها هستند. او معتقد است که شهر حالت مادی و صحنه‌ای برای نمایش جشنها و نمایش شیوه زندگی، گروهی که پول، قدرت و شخصیت دارند، می‌شود.

شهرهای اسلامی با ساختمانهای باشکوه خود ادعای قدرت و توانایی می‌کنند. بناهای تاریخی و مؤسسات شهری اغلب علامت پیروزی یا نشانگر یک مظهر ملی آگاهانه و بیانگر تدین و زمانی مؤسسات خیریه با تفکرات خیراندیشی است. این اعمال به ساکنین یک شهر، این احساس را می‌دهد که خود را عضو یک جامعه معتبر با

اندیشه‌های والای انسانی بدانند و یا به بازدیدکنندگان یک شهر، چنین تفکری را القاء کنند. دروازه شهرها گاهی با مجسمه‌های شیر سنگی که سنبل دفاع از آنها است مزین می‌شود. این حرکت یک سنت دیرین در شهرهای قدیم و قبل از اسلام خاورمیانه به ویژه ایران باستان بوده (مانند شوش - همدان). راههای اصلی شهر به سوی قصرها و ساختمانهای ملی طراحی شده است و یا راههای اصلی برای حرکت دسته‌جات سوگواری در اغلب شهرهای کوچک اسلامی قدیم مشاهده می‌گردد. بازار، مساجد، حسینیه‌ها، حمامها، سقاخانه‌ها، بیمارستانها پدیده‌هایی هستند که به شهرهای اسلامی اختصاص دارد. در بعضی از این شهرها ساختمانهای مذهبی، ملی و تاریخی در دو طرف راههای مهم قرار دارند و از فرسنگها دور، نمایان است.

بعضی از پدیده‌های شهری به شناخت شهرهای اسلامی کمک شایانی می‌کند که در واقع جزء مدل‌های اصلی و ذاتی و مخصوص فرهنگ آن ناحیه محسوب می‌گردد مانند جاده‌های پهن، بلوارهای باشکوه، میادین بزرگ که اغلب به وسیله بناهای مذهبی و ملی محصور شده‌اند. بهترین نمونه این نوع شهرها را می‌توان در ایران و مراکش مشاهده کرد، این حرکات شهرسازی گاهی برای تشریفات ملی ایرانی و زمانی برای جوامع سوارکاری بربرها و حرکت‌های دسته جمعی، عبادت، برگزاری جشنهای ملی - مذهبی، نمایشات سوارکاری، یا ورزشهای ملی سوارکاری، چوگان بازی مثلاً در حدود سالهای ۱۲۵۰ میلادی در شهر حلب ۵ میدان اسب دوانی با کورسهای ۴۰۰ متری، ۵۴۰ متری و ۶۲۰ متری وجود داشت. (۱۵)

در اصفهان نیز به یکی از بزرگترین و زیباترین میادین شهری دنیا بر می‌خوریم که طول آن ۵۱۰ متر و عرض آن ۱۶۵ متر می‌باشد. این میدان که از آثار مهم شهرسازی و از شاهکارهای اصیل ایرانی به شمار می‌رود ساخته و پرداخته شهرسازان و معماران عصر صفوی است. ذکر این نکته ضرورت دارد که قبل از احداث میدان نقش جهان در محل فعلی آن باغ بزرگی وجود داشت به نام نقش جهان با کوشکی که با صورتها و انواع نقشها آراسته شده بود و به این مناسبت آن را باغ نقش جهان می‌گفتند. در زمان سلجوقیان این میدان را کوشک میدان می‌نامیدند. (۱۶) کاربری میدان نقش جهان در طول تاریخ بسیار متنوع بوده بطوری که علاوه بر سواری و تیراندازی، جشنهای مذهبی و ملی، پذیرایی از مهمانان رسمی، شعبده‌بازی، خیمه‌شب‌بازی، تنبیه

مجرمین، آراء مردم و مخصوصاً محل خرید و فروش مانند خواربار فروشی، کهنه‌فروشی، مسگری، آهنگری و کسبه بی‌شمار دیگر بوده است. فروشندگان مواقع شب اشیاء را در صندوقهای بزرگ جای داده و به هم می‌بستند و چادر بر روی آنها پهن می‌کردند و تمام شب اجناس فروشی در میدان می‌ماند و اموال مزبور از امنیت کامل برخوردار بود. در روزهای رسمی و ورود سفراء، میدان را خالی می‌کردند. (۱۷)

میدان نقش جهان را در منابع عصر صفویه، باغ نقش جهان نیز نوشته‌اند (۱۸) و شاردن فرانسوی آن را میدان سلطنتی نام نهاده است. در زمان شاردن وسط میدان دکلی عظیم به ارتفاع ۱۲۰ پا کار گذاشته شده بود که در روزهای تشریفات برای نشان زدن از آن استفاده می‌شد و این عمل را قیق اندازی می‌گفتند.

دورادور میدان جوی آب عریضی وجود داشته که زیبایی خاصی را به میدان بخشیده بود. دو طرف میدان هنوز هم دارای دروازه‌های سنگی چوگان‌بازی که یادگار عصر صفویه می‌باشد است. در آن عصر توپهای به غنیمت گرفته شده از جنگ با پرتغالیها و عثمانیها در این میدان به نمایش گذاشته می‌شد. این میدان چون به دستور شاه عباس اول احداث شده بود، لذا به نام میدان شاه نیز معروف است. این میدان بعد از انقلاب اسلامی به افتخار رهبر انقلاب به نام میدان امام اطلاق می‌شود.

در ایران اغلب شهرهای سنتی دارای میداین کوچک و بزرگی بوده است. مانند شیراز، تبریز، قزوین، کرمان و لار که بعضی از آنها با توجه به نوسازیها و تغییر و تحولی که در قرن بیستم، به ویژه عصر پهلوی روی داده به نابودی کشیده شده که میدان کهنه اصفهان یکی از آنها است. در برخی از شهرهای اسلامی مانند سمرقند، بخارا و تبریز این نوع میداین با پیشامدها تاریخی و یا سوانح طبیعی مانند زلزله و سیل بکلی از بین رفته‌اند.

باغ در شهرهای اسلامی

دین مبین اسلام از مناطق گرم و خشک و صحرایی برخاسته که دارای پوشش گیاهی بسیار ضعیفی می‌باشد، لذا ایجاد فضاهاى سبز شهری که در واقع تصویری از بهشت موعود می‌باشد، در اغلب شهرهای اسلامی خصیصه ویژه‌ای به آنها

بخشیده است. مخصوصاً در بین مسلمین، ایرانیها به واسطه داشتن آب و هوای گرم و خشک در سرزمینشان و کمی پوشش گیاهی، ارزش زیادی برای باغ شهرها قایل هستند. اصل و منشأ باغها به دوران قبل از تاریخ بازمی‌گردد و شاید به ۶ هزار سال قبل برسد. ایرانیها که در روزگاران قدیم از طریق شکار زندگی می‌کردند از کوههای پر گیاه و شکار به دره‌های طویل فلات ایران سرازیر شدند تا به کشت و زرع بپردازند. آنان دنیا را به چهار قسمت که شاید از چهار فصل سال گرفته شده تقسیم می‌نمودند و باغهای آن دوره در مسیر آبگیرها قرار داشتند. این نوع طرح متقاطع که در آن یک محور ممکن است از محور دیگر درازتر باشد، به صورت طرح نمونه باغهای ایران درآمد و نام چهارباغ بر آن اطلاق گردید. این گونه طرحها از زمان ساسانیان (۲۲۴-۶۵۲ م.) معمول بوده است. چون عامل اصلی زندگی و ایجاد باغ در ایران آب است، لذا ایرانیان باستان احترام بیش از حد و در حد پرستش برای آن قایل بودند و از این روست که سنگ نوشته‌های خود را که از اعتقادات مذهبی و پیروزیهای دوران تاریخ در ایران خبر می‌دهد، پیوسته در مقابل چشمه‌سارها و آبگیرها حجاری کرده‌اند. (مانند سنگ نوشته‌های بیستون و گنج‌نامه)

باغ سازی در شهرهای اسلامی به کمال خود می‌رسد بطوری که در اغلب شهرهای اسلامی به ویژه در ایران باغهای بزرگ و زیبا، گاهی با دیوار و زمانی بدون دیوار با تأسیسات آبیاری مناسب و درختکاری و گلکاری، آب‌نما، فواره، خانه‌های بیلاقی، کوشکها، کلاه‌فرنگی‌ها که همه از فرهنگ جوامع اسلامی نسبت به نیازمندیهای انسانی نشأت گرفته است وجود دارد که در شهرهای مغرب زمین کمتر بدان برمی‌خوریم.

گفتیم که در سرزمینهای اسلامی اغلب این باغها به نام چهارباغ معروف هستند که بهترین نمونه آن را در شهر اصفهان مشاهده می‌کنیم. در این شهر دو چهارباغ وجود دارد. چهارباغ اصلی که شهر را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم نموده است به نام چهارباغ عباسی معروف است که از فعالیت‌های شهرسازی عصر صفویه (دوران شاه عباس) و دیگری در امتداد پل خواجه به نام چهارباغ خواجه معروف است که یادگار دوره قاجاریه است. اصفهان عصر صفویه دارای تعداد ۳۳^(۱۹) باغ بوده که باغ هزار جریب، باغ هشت بهشت، باغهای سعادت آباد، آینه‌خانه، هفت دست، باغ قوشخانه از

آن جمله‌اند. (به نقشه باغات اصفهان عصر صفویه مراجعه نمایید) در این نقشه باغ هزار جریب در جنوبی‌ترین قسمت چهارباغ واقع شده و چنانچه از اسمش برمی‌آید وسعتی در حدود ۱۰۰۰ جریب (حدود ۱۰۰ هکتار) داشته‌است. باغ هزار جریب در دامنه کوه صفه و در ۱۶ طبقه به صورت پلکانی احداث شده بود و چون از فعالیت‌های شهرسازی عصر شاه عباس بوده، لذا به نام باغ عباس آباد نیز خوانده می‌شد^(۲۰) که کوی فعلی دانشگاه اصفهان و کوی کارمندان (خیابان مرداب‌یج) در قسمتی از آن قرار دارد. از چهار برج کبوتری که در اضلاع باغ قرار داشت، تنها دو برج جنوبی به یادگار مانده‌است. این باغ پیوسته به عنوان باغ عمومی و ملی شهر و محل تفریح و تفرج مردم اصفهان بود و از میوه‌های باغ همه بطور آزادانه استفاده می‌کردند.^(۲۱)

باغ هزار جریب در عصر صفویه کاربری مذهبی و ورزشی نیز داشته، بطوری که مراسم شتر قربانی در عید قربان که با تشریفات خاصی صورت می‌گرفت و اهالی اصفهان در آن شرکت می‌کردند،^(۲۲) در این باغ برگزار می‌شد و یا ورزشکاران دو (شاطر دوانی) فاصله بین میدان شاه و باغ هزار جریب را ۱۲ بار طی می‌کردند (۷۲ کیلومتر) و از طرف شاهان صفوی به مقام شاطر دوانی می‌رسیدند.^(۲۳)

در بعضی از شهرهای اسلامی تعداد باغات شهر بسیار قابل توجه بوده‌است. مثلاً در شیراز عصر صفویه که شاردن از آن دیدن نموده‌است (۱۶۷۴ میلادی) موقعی که از زیبایی شهر شیراز سخن می‌گوید به توصیف زیباییهای شهر، از جمله باغهای عمومی آن که تعدادشان به ۲۰ باغ می‌رسید اشاره می‌کند. اکنون نیز یکی از زیباییهای شیراز باغهای آن است مانند باغ دلگشا، باغ نو، باغ جهان‌نما، باغ تخت، باغ ارم، نارنجستان، فردوس، هفت تن، گلشن، عقیق آباد، دیوانخانه، سعدیه و حافظیه، یا در شهر تبریز با اسم باغ شمال، باغ فتح‌آباد و شاهگلی (ال گلی) آشنایی داریم.

از شهرهای آسیای میانه به ویژه سمرقند که پایتخت عصر تیموری بود اطلاعات جالبی از نظر جغرافیای تاریخی در اختیار داریم. سیاحان و نویسندگان که از سمرقند قرن ۱۵ و ۱۶ دیدن نموده‌اند به باغات آن عصر اشاره کرده و حتی از طرح و نقشه سمرقند که در سال ۱۸۶۵ ترسیم گردیده و تعریف و توصیفی که از باغهای قرن ۱۵ سمرقند به دست آمده، می‌توان موقع جغرافیایی باغات شهر را دقیقاً ترسیم نمود. (به نقشه باغهای سمرقند مراجعه نمایید).

در سمرقند عصر تیموری کمربندی از باغهای دورادور شهر را در برگرفته بود که اکنون فقط با اسامی آنها روبرو هستیم مانند باغ ارم، باغ بهشت، باغ چنار، باغ شمال، باغ دلگشا، باغ نو، باغ جهان‌نما، باغ نقش جهان، باغ تخت قراچه، باغ دراز، باغ قراتیه، بعلاوه کمربندی از باغها دور شهر احداث شده بود که نام شهرهای معروف اسلامی از قبیل: قاهره، دمشق، بغداد، سلطانیه، شیراز را بدانها نهاده بودند و بدینوسیله سمرقند قرن ۱۵ و ۱۶ دارای کمربند فضای سبز قابل توجهی بوده که از نظر شهرسازان و معماران قرن بیستم ارزشمند بوده است که متأسفانه همه آنها از بین رفته و تنها نقاشیهای آن برجای مانده است. این نکته قابل ذکر است که اغلب باغهای سمرقند عصر تیموری که تا یک قرن قبل باقی مانده بود مانند باغات شیراز و اصفهان، جنبه عمومی نداشت، بلکه اغلب آنها صرفاً برای استفاده خانواده شاهان و فرمانروایان بوده است.

خصوصی بودن و محرمیت در شهرهای اسلامی (نمونه اصفهان و فاس)

محفوظ بودن حریم خانواده و دور بودن از دید نامحرمان یکی از خصیصه‌های بارز زندگی جوامع اسلامی است. جغرافیدانان و نویسندگان سایر علوم انسانی، از دیرباز به این موضوع توجه داشته‌اند. علاقه و تمایلات انزواطلبی و زندگی خصوصی به هیچ وجه منحصر به مناطق مسکونی شهرهای اسلامی نمی‌باشد بلکه مراکز عمومی شهر نیز چنین وضعی دارد، در حالی که نقاط مختلف و عمومی شهر در یونان و رم باستان و بطور کلی جوامع مسیحیت که فرهنگ خود را از آنها به ارث برده‌اند قابل دسترسی برای همگان بوده است در صورتی که در سرزمینهای اسلامی خصوصی بودن مکانها، امکان دسترسی را برای همگان محدود می‌گرداند. دو شهر مهم مذهبی اسلامی یعنی مکه و مدینه (خانه کعبه و مسجدالنبی) تنها به روی مسلمانان جهان باز است و پیروان سایر ادیان اجازه ورود به آنها را ندارند و چنین الگویی در سطح پایین‌تر در شهرهای اسلامی دیده می‌شود بطوری که بعضی از مراکز دینی مسلمین برای بازدیدکنندگان اروپایی بسیار محدود بوده است. مثلاً ممنوع بودن ورود اشخاص غیرمسلمان که از نظر مردم عامی به عنوان انسانهای کافر و بی‌دین تلقی

می‌شوند، به مساجد بعضی از شهرهای کشورهای اسلامی شمال آفریقا مانند شهر فاس از ویژگی‌های آنهاست در حالی که در شهرهای ایران و ترکیه مسیحیان و یا پیروان سایر ادیان اجازه ورود به مساجد را دارند و احتمالاً جوامع شیعه مذهب آزادی بیشتری برای بازدید از مراکز دینی‌شان توسط پیروان سایر ادیان قایل هستند. مثلاً در مراکش از ورود مسیحیان اروپایی به مساجد قویاً جلوگیری می‌کنند و حتی در سالهایی که تحت‌الحمایه فرانسه بودند حکم تکفیر داشت. شاید این عمل دلایل سیاسی داشته‌است. این نوع محدودیتها تنها به مراکز مذهبی اختصاص نداشت بلکه نواحی بزرگ قصرهای سلطنتی نیز به همان اندازه غیرقابل دسترس بود و حتی اکنون نیز در محدوده قصر شاه مکانهای مختلفی با خصوصیات خاص وجود دارد که برای عموم غیرقابل دسترس بوده و تنها نگهبانان می‌توانند به این نقاط وارد شوند. ویرت در مطالعات خود درباره فاس گرایش شهر را به سمت خصوصی بودن و حریمیت جدایی‌گزینی مکانهای مختلف برای یک گروه خاص، مورد توجه خود قرار می‌دهد. او به بسته بودن تمام مساجد شهر در ساعات غیر نماز یومیه اشاره کرده و می‌نویسد که تنها مسجد جامع کبیر شهر باز است. او به ۱۵۰ مسجد موجود در سطح شهر قدیم (مدینه الفاس) اشاره می‌کند که به روی همه مسلمین باز است در حالی که مراکز مذهبی دیگر مانند تعداد زیادی مدارس دینی، زاویه‌ها، Rawdas (احتمالاً رواق) و مقبره و مکانهای دیگر مذهبی، نمازخانه، انجمنهای مذهبی که تنها به روی اعضای آن باز هستند. حتی گورستان مسلمین با دیوارهای بلند محصور بوده بطوری که تنها گروه خاصی حق دفن و کفن مردگان خود را دارند که در واقع جنبه استفاده فرقه یا دسته خاص و یا خانوادگی را مطرح می‌کند. چنین حرکتی در واقع نوعی حریمیت و زندگی خصوصی در جوامع اسلامی را بیان می‌سازد. (۲۴)

در قبرستان شهر اصفهان نیز که به نام تخت فولاد معروف است خانواده‌های بزرگ شهر برای زندگی بعد از مرگ خویش آرامگاههای خانوادگی مهیا دیده بودند که فعلاً به واسطه توسعه شهر متروک اعلام شده‌است. خانواده‌های سنتی و سرشناس اصفهان در روزهای عزاداری و اعیاد مذهبی به زیارت مردگان خود می‌روند و گاهی سالنهای مناسبی برای تجمع اعضای خانواده با اهداف مختلف و یا اقامت موقت به کار می‌رود. معمولاً ورود افراد غیر فامیل و ناآشنا به این مکانها مقدور نیست. در شهر

اصفهان پنختن نذری در این آرامگاهها که اغلب برای استفاده فامیل صورت می‌گرفته جنبه مذهبی و گذران اوقات فراغت را داشته و پیاده به این قبرستان می‌آمدند. این نوع زندگی شهری که جنبه خصوصی دارد در شهرهای اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد. صاحبان این نوع تکایای خانوادگی شبهای جمعه و اعیاء و اغلب روزهای ماه رمضان و یا شب عید فطر را در این آرامگاهها می‌گذرانند و با تغییر محل قبرستان شهر از تخت فولاد به باغ رضوان این آداب و رسوم تقریباً منسوخ گردیده است. در قبرستان تخت فولاد گاهی به گنبدها و بناهای مقابر برمی‌خوریم که از نظر معماری دارای اهمیت است که معرف قبر بزرگان یک خاندان یا یک فرقه می‌باشد. (۲۵) این محوطه‌های محدود گاهی محصور و برای استفاده همگان ممنوع است. از سال ۱۳۶۰ دفن مرده در این قبرستان ممنوع اعلام شده و طرح‌های جدید شهری در آن در دست اقدام است.

در بین شهرهای اسلامی شهر فاس تا قرن ۱۹ به عنوان یک شهر کاملاً خصوصی مطرح بوده و بازدید کنندگان و سیاحان غربی اجازه ورود به شهر را نداشتند. حتی در طول تاریخ، اروپاییان برای بازدید شهر استانبول با هر قصدی که داشتند اغلب بدون مجوز و با لباس مبدل وارد شهر می‌شدند.

بعضی از نویسندگان غربی به زندگی خصوصی و پنهانی مراسم و مراکز مذهبی مسلمان انتقاد می‌کنند و معتقدند که هیچ عمل مقدسی نباید پنهان و از نظر عموم دور باشد برعکس اگر عملی پسندیده است باید در انظار عمومی و در دید همگان و حتی پیروان سایر ادیان قرار گیرد.

در شهرهای اسلامی به ویژه در یک قرن اخیر تنها معابر عمومی و خیابانها و دروازه‌ها، میادین شهر و مراکز اقتصادی (بازار) در معرض رفت و آمد عموم بودند و در حقیقت به عنوان مناطق عمومی تلقی می‌شدند. اکنون نیز ورود یک شخص بیگانه به محلات مسکونی مانند شهر اصفهان همیشه با کنجکاوی ساکنان آن محله روبروست. نگارنده در بافت‌های قدیمی شهر اصفهان پیوسته با پرسشهای مکرر شهروندان آن مناطق روبرو بوده که هدف شما از بازدید این محلات چیست؟ چنین رفتاری در واقع خصوصی بودن زندگی سنتی را در شهرهای اسلامی تا حدی روشن می‌سازد. در سالهای اخیر فشارهای ترافیکی و نقش اتومبیل در زندگی شهری

مسلمین، بافتهای مسکونی قدیمی را در هم ریخته و پای عموم را به این محلات باز کرده است.

در شهرهای اسلامی مکانهای نیمه خصوصی نیز وجود دارد که حمامها، نانواپها، قهوه‌خانه‌های مراکز محلات از آن جمله‌اند. لکن در مرکز شهر فاس می‌توان با پرداخت انعام به بخش خصوصی آن دست یافت.

در مکانهایی که خصوصی‌گرایی به اوج خود رسیده باشد تمایل سرمایه‌گذاری مردم در این مراکز عمومی نقصان پیدا می‌کند. مساجد شهر به ویژه سقف آنها به نحو جالبی که در مقابل باران مقاوم باشند تزئین یافته‌اند در حالی که خیابانها و معابر مرکزی محلات (سوق) چنین وضعی را ندارند. در شهر فاس یک ساختمان تجاری یا ساختمانهای عمومی که طرح معماری آن قابل مقایسه با جای دیگر باشد یافت نمی‌شود.

بازار مرکزی شهر فاس توجه یک مسافر تازه وارد به شهر را هرگز به خود جلب نمی‌کند و جلوه بازار شهرهای خاورمیانه را ندارد. چنین به نظر می‌رسد که مغازه‌های دو طرف شبکه‌های بازار بدون نقشه و به صورت کاملاً اتفاقی در کنار هم بنا شده‌اند. شهر فاس دارای بارندگی قابل ملاحظه‌ای نسبت به اغلب شهرهای خاورمیانه می‌باشد حدود بیش از ۵۰۰ میلیمتر در سال، لذا شبکه‌های بازار فاقد سقف می‌باشد و در مقابل بارندگی زیاد پایداری نداشته‌اند، ضمناً فعالیت معماری سطح بالا و یا ساخت و ساز چندانی در آن صورت نگرفته است. در این شهر حتی خانه‌های بزرگی که سر در ورودی آنها دارای زیبایی بوده و توجه آدمی را به خود جلب نماید به چشم نمی‌خورد.

بازار فاس فاقد چهار سوقهای قابل توجه و زیبا از نظر معماری است و شیوه‌های معماری آن چنان ابتدایی و بی‌اهمیت است که قابل توجه نیست. در حالی که بازارهای امپراطوریهای بزرگ عثمانی و صفوی از هر نظر از ظاهری آراسته و از معماریهای بدیع برخوردارند. در شهر فاس این تصور به انسان دست می‌دهد که همه چیز بدون طرح و نقشه بنا شده است و جنبه موقتی دارد و حتی هیچگونه تابلوی راهنمایی برای غریبه‌ها در این شهر دیده نمی‌شود که بتوانند راه خود را به راحتی پیدا نمایند.

هرگاه این شهر را با اصفهان، پایتخت امپراطوری صفوی مقایسه کنیم این نتیجه حاصل می‌گردد که در این شهر حکمرانان و بزرگان و مدیران شهری به عنوان یک عمل خیرخواهانه، هرگز یادگاری از خود به جای نگذاشته‌اند و یا آثاری که وجود شخصیت خود را در خاطره‌ها زنده نگه دارد به چشم نمی‌خورد. حتی پادشاه یا سلطان در یک بخش خاص از قصر خود زندگی می‌کند که تنها نگهبانان و گارد مخصوص می‌توانند آنها را ببینند.

در مراکز شهری به ویژه در معابر عمومی چهره دیگری به چشم می‌خورد. دیوارهای ساده و بسیار ابتدایی در طول اغلب خیابانها و معابر عمومی جلب توجه می‌کند و در مسیر این شبکه راهها شبه میدانهای کوچک مشاهده می‌گردد. معابر عمومی اصلی به عنوان یک نیاز اقتصادی و نه به عنوان یک فضای ملی مورد توجه است. یعنی هرگز برای استفاده‌های عمومی و ملی به وجود نیامده‌اند. دیوارهای دو طرف شبکه راهها فقط به عنوان دیوارهای حفاظتی یک ناحیه خصوصی تلقی می‌شود. در این شهر یک نمای دیدنی یا یک اثر تاریخی که برای زندگی مردم شهر تدارک دیده شده باشد وجود ندارد.

روابط شهر با پیرامون خود

مجامع علمی کشور مادر سالهای اخیر با اصطلاح سرمایه‌داری بهره‌بری* کم و بیش آشنایی پیدا کرده‌اند، اما جغرافیدانانی که به زبان آلمانی آشنایی داشتند زودتر از سایرین به اهمیت جغرافیایی آن دست یافته‌اند، چه واضع آن "هانس بوبک" اطریشی است که در سالهای ۱۹۴۸ برای نخستین بار از دید علمی و جغرافیایی بدان اشاره نموده و آن را به کار برده است. منظور او از این اصطلاح در چهارچوب مقاله «مراحل اساسی تکامل اجتماعی - اقتصادی از لحاظ جغرافیایی» عبارت بود از یک مرحله تکاملی مستقل میان مرحله جامعه زراعی سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و مرحله «سرمایه‌داری تولیدی». البته کوشش ما بر این است که تأثیر این نوع سیستم

اقتصادی را که شهرهای اسلامی را تحت تأثیر خود درآورده است مورد بررسی اجمالی قرار دهیم و حتی با اصطلاح «رنتن کاپیتالیست» که ممکن است از طرف صاحب‌نظران مورد انتقاد قرار گیرد بحثی نداریم، چه انتقاد بر این ساختار لغوی - ادبی هرگز از اهمیت و اعتبار علمی آن نخواهد کاست، لذا هدف ما در این مطالعه کوتاه تأثیرهای اقتصادی - اجتماعی سیستم مزبور در شهرهای اسلامی است.

نظر بوبک بیشتر متکی به زالو صفتی سیستم رنتن کاپیتالیستی است که شهرهای اسلامی بر سکونت‌گاههای کوچک پیرامونی خود سایه افکنده است، اما در این راستا ویرت جغرافیدان آلمانی به سال ۱۹۷۳ نظریات بوبک را با طرح نظریات خود مبنی بر اینکه نباید اینگونه شهرها را به عنوان انگلهای زالو صفت برای آبادیهای پیرامونی آنها دانست، بلکه به عنوان مکانهای مرکزی که به نحوی بارز، به صورت یک مرکز نوآوری و سازماندهی اقتصادی، دارای کارکردهای مثبتی هستند، با نظر بوبک به مخالفت برخاست. (۲۴) ویرت توانست هم بوبک و هم طرفداران نظریه وی را قانع کند که برای مقبولیت این نظریه، انجام یک سلسله تعدیل در میانی آن لازم و ضروری است (۲۷)

شهرهای اسلامی در حوزه نفوذ خود

مناسبات شهرهای اسلامی با مناطق پیرامونی خود به نوعی پیدایش ساختارهای فضایی مشخص منجر شده است که ماهیت شهرنشینی شرق اسلامی را از خصایص شهرنشینی کشورهای صنعتی غرب متمایز کرده است. شهرها با قدرت بیش از حد خود، داد و ستد مناطق جغرافیایی خاصی را در سطوح بسیار وسیع به عهده گرفته‌اند و تأمین‌کننده انحصاری مایحتاج روستاهای پیرامون خود می‌باشند. در این مورد تحقیقات «بوناین» در یزد و حوزه نفوذ آن از اهمیت خاصی برخوردار است. کسب قدرتهای داد و ستدی در شهرهای اسلامی و به ویژه ایران، از رشد خرده‌فروشی روستایی جلوگیری می‌کند و بدینوسیله نیازهای روستایی را به شهرها به شدت بالا می‌برد و بدینوسیله قدرت خرید و فروش مملکت را به خود اختصاص می‌دهند.

مشاهده طرح فوق بیانگر این حقیقت است که در شهرهای صنعتی سرمایه‌داری جوامع غربی مکانیزم مبادلات کالاها و تولید شهری در مقام مقایسه با داد و ستد تولیدات در شهرهای اسلامی ماقبل صنعتی شدن که دارای سیستم سرمایه‌داری بهره‌بری است که می‌توان از آن به عنوان «سیستم مکان مرکزی سلطه» یاد کرد در سرزمینهای اسلامی به ویژه ایران سیستم نظام سلسله مراتب مکان مرکزی را در مقایسه با شهرهای صنعتی غرب از این نظر متمایز می‌کند که در شهرهای اسلامی هر یک از، مادر شهرهای کشور، مراکز استانها، مراکز شهرستانها، مراکز بخش و دهستانها برای خود از حوزه نفوذ و همچنین نظام سلسله مراتبی مشخص و معین برخوردارند. چنین خصوصیات جغرافیایی در حقیقت عدم تمرکز در شهرهای صنعتی غرب و تمرکز بیش از حد شهرهای اسلامی - شرقی را ترسیم می‌کند و در نتیجه در مجامع غربی پراکندگی کارکردی نوعی شبکه درهم تنیده را پدید آورده است. (۲۸)

در ممالک صنعتی کارکردها با نظم خاصی به عهده آبادیهای کوچک است در حالی که در نظام شبکه شهری کشورهای اسلامی کارکردهای مهم به عهده پایتخت، مراکز استانها، مراکز شهرستانها و بالاخره بخشها، گذاشته شده است. وجود مراکز اداری مهم، دانشگاهها، بیمارستانها، کلینیکهای تخصصی، بانکها و بیمه‌ها، مراکز خدمات تخصصی عمومی و خصوصی و صنایع در درجه اول در پایتخت کشورها تمرکز است و در درجه دوم سایر شهرهای مهم مانند مراکز استان و شهرستان و بخش قرار دارند و در واقع نظام شهری را پدید آورده است در حالی که در کشورهای صنعتی غربی چنین تمرکزی به چشم نمی‌خورد و تعادلی در پراکندگی جغرافیایی کاربریها مشاهده می‌گردد. در مجامع غربی سکونت گاههای کوچک و بزرگ هر یک عملکرد ویژه‌ای را به عهده دارند و گاهی شهرهای بزرگ نیازمند شهرهای کوچک همجوار خود هستند و زمانی وظایف ویژه‌ای به عهده شهرهای کوچک گذاشته شده است.

نتیجه‌گیری

مقاله‌ای که مطالعه فرمودید در واقع مقدمه‌ای بر شناخت اجمالی شهرهای اسلامی

است؛ لذا به صورت جامع و کامل نیست اما گامی است که برای فهم مطلب از طرف یک علاقه‌مند به دانش جغرافیا تهیه شده است.

این مقاله بیشتر بیان‌کننده نظریات جغرافیدانان غربی به ویژه ویرت و اهلرس که هر دو از جغرافیدانان و ایران‌شناسان برجسته هستند می‌باشد. این مطالعه به ساختار و الگوهای شهرهای اسلامی از نظر کالبدی - فضایی توجه نموده، ولی تأثیر دین مبین اسلام را پررنگ‌تر از سایر عناصر به تصویر کشیده است.

در بافت‌های جدید شهری که نفوذ تمدن غرب به مراتب بیشتر از بافت‌های قدیم است تعیین ماهیت و خصیصه‌های یک شهر اسلامی را به شدت با مشکل روبرو کرده است و شهرهای اسلامی هر روز گام‌های بزرگتری به سوی الگوهای شهری جهان غرب بر می‌دارد.



بر اساس علوم اسلامی

۱- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۲- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۳- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۴- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۵- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۶- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۷- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۸- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۹- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۱۰- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۱۱- محمد تقی دولت و شهسوار، *بر اساس علوم اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۱۲- Stöckl G.: Habitus public in chausse, zur wirtschaftlichen Bedeutung religiöser Stützungen in Nordmarokko Die Welt des Islams 23 (1982), S. 97.

منابع و مآخذ

- ۱- به نقشه شهر تبریز که در سال ۱۲۶۰/ش = ۱۹۸۰/م تهیه و ترسیم شده مراجعه نمایید.
- 1- Dettmann, k.: Damaskus. Eine orientalische Stadt zwischen Tradition und Moderne. In: Mitteilungen der Fr nksichen Geogra. Ges. 15/16 (1968 - 69)S. 183 -311. (= Erlangen Geographische Arbeiten Bd. 26.1969. Diss. Nat.Fak. Univ. Erlangen - N renberg.
- ۲- کاظمی، محمد: بهسازی و نوسازی محله جماله، خلاصه مقالات دومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران ۱۳۷۴، ص ۱۶۶.
- ۳- هدایت، محمود: تحلیل مقایسه‌ای از ویژگیهای شهرهای اسلامی جنوب شرقی اتحاد جماهیر شوروی سابق و شهرهای سنتی ایران، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۵/ش، ص ۸۳
- ۴- دوپلانول: پژوهشی پیرامون جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه سیروس سهامی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۹، ص ۱۴۲.
- 5- Seger, M.: Tehran. Eine stadtgeographische Studie. Berlin - Newyork (Springer - Verlag) 1978.
- ۶- اهلرِس: اکارت: شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت، ترجمه و تحریر جدید از محمد حسن ضیاء توانا و مصطفی مومنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بهار ۱۳۷۳، شماره مسلسل ۳۲، ص ۲۷ - ۶۵.
- ۷- بونین مایکل: قبله و شهرسازی اسلامی، راههای تازه برای تحقیق در باره شهرهای اسلامی، میراث جاویدان، فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی، سال ۱۳۷۵ شماره مسلسل ۱۸، صفحه ۱۲۴ تا ۱۵۱.
- ۸- اهلرِس اکارت، شهر شرق اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴۹
- ۹- سلیمی سر، مصطفی: نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۰، ص ۱۰۶
- 10- Ehlers E. Momeni M.: Religi se Stiftungen und Stadtentwicklung das Beispiel Taft Zentraliran, Erdkunde Band 43/1989.S.16 - 26.
- ۱۱- شفقی سیروس، وقف در اصفهان، پراکندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، میراث جاویدان، شماره ۱۹ - ۲۰، سال ۱۳۶۷، ص ۳۲ - ۴۷.
- 12- StOber G.: Habous public in chaouen, zur wirtschaltlichen Bedeutung religioser Stiftungen in Nordmarokko Die Welt des Islams 25 (1985), S. 97.
- ۱۳- اهلرِس اکارت، شهر شرق اسلامی، ص ۴۷

14- Wirth E.: the Concept of the islamic City privacy in the islamic East Versus public lief in western culture Appkied Geography and Development, Volume 40, Tubingen 1992.P.25.

15- Wirth E.: 1992. P. 22.

۱۶- هنرفر، لطف‌الله: مجله هنر و مردم، شماره مسلسل ۱۰۵، ص ۳

۱۷- شاردن، ژان: ترجمه سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، تهران ۱۳۴۵، ص ۱۰۷.

۱۸- اسکندر بیگ ترکمان: تاریخ عالم‌آرای عباسی، جلد سوم، ص ۶۲۴

۱۹- موسوی فریدنی، محمد علی: ۳۳ چشمه پل چهارباغ، مجله علمی معماری و شهرسازی، خرداد ۱۳۷۷، شماره ۴۲ و ۴۳ و ص ۸۴.

۲۰- هنرفر، لطف‌الله: موقع جغرافیائی و تاریخی کوی دانشگاه اصفهان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴ سال ۱۳۴۶، ص ۳-۱۲.

۲۱- پیتر، دولواله: سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفاء، تهران ۱۳۴۸، ص ۴۱-۴۲.

۲۲- کمپفر، انگلبرت، سیاح المانی در سال ۱۰۹۵ هجری قمری در مراسم شتر قربانی شرکت داشته و مراسم مزبور را نقاشی کرده‌است. برای کسب اطلاعات بیشتر به ترجمه سفرنامه کمپفر مراجعه شود.

۲۳- میرجعفری، حسین: شاطر و شاطر دوانی در عصر صفویه، مجله هنر و مردم شماره ۱۷۴، سال ۱۳۵۶، ص ۵۰-۶۱.

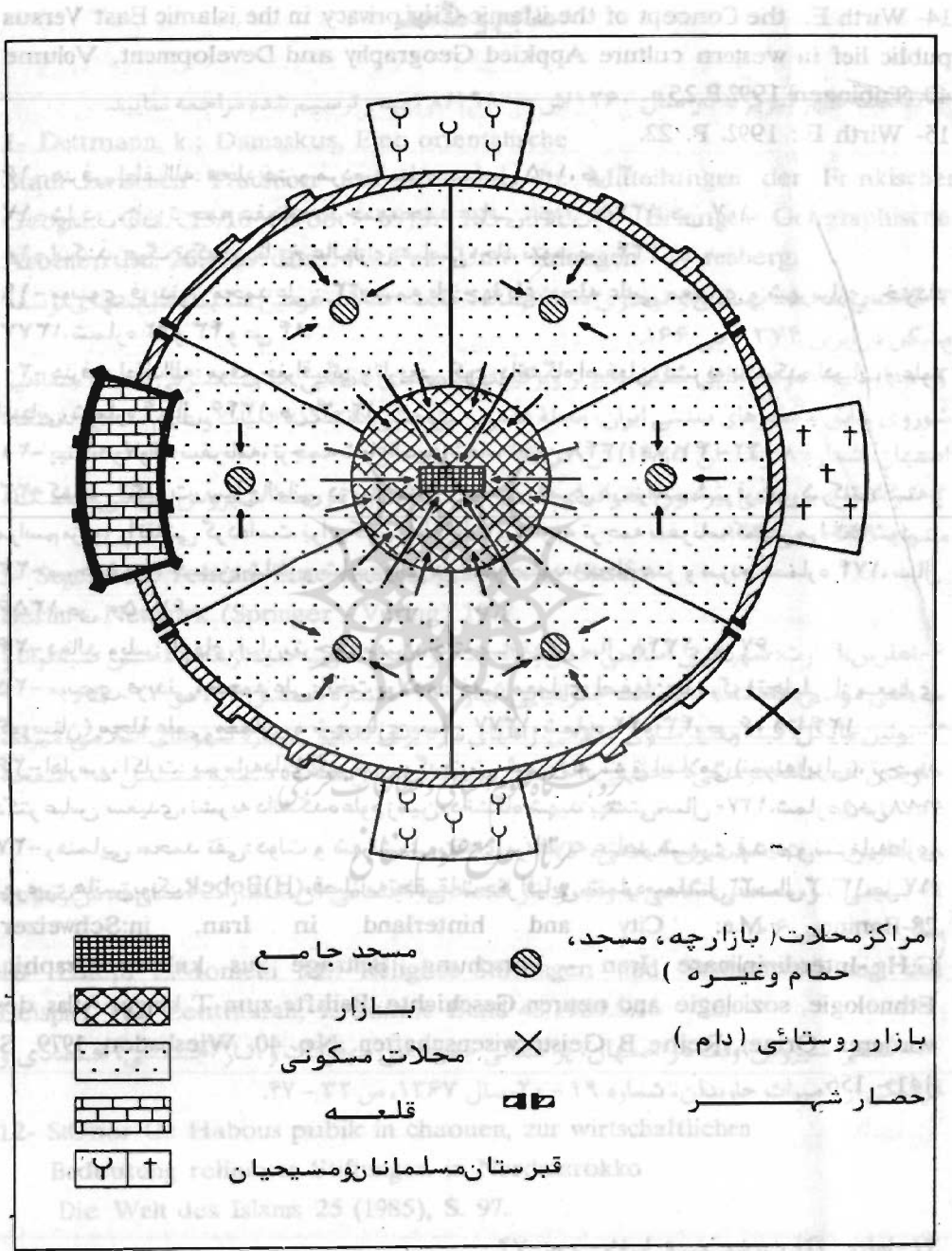
۲۴- دونالد ویلبر: باغهای ایران، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران سال ۱۳۴۸، ص ۶۷.

۲۵- موسوی فریدنی، محمد علی: تخت پولاد، برخورد معماری اصفهان با مرگ (تحلیلی از معماری گورستان) مجله علمی معماری و شهرسازی، سال ۱۳۷۷، شماره ۴۲ و ۴۳، ص ۱۱۶ تا ۱۲۴.

۲۶- اهلرس، اکارت: سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران)، ترجمه دکتر عباس سعیدی، نشریه دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۰، شماره ۱، ص ۱۱۸.

۲۷- رهنمایی، محمد تقی: دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک (H)Bobek، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۲۲، سال ۱۳۷۳، ص ۱۷.

28-Bonine, M.e: City and hinterland in Iran, in:Schweizer, G.Hg.-Interdiziplinare Iran - Forschung. Beitrage aus kulturgeographic, Ethnologie, soziologie and neuerer Geschichte, Beihfte zum T binger Atlas des vorderen Orinet, Reihe B Geisteswissenschaften. No. 40. Wiesbaden 1979. S. 141 - 156



DETTMANN 1969

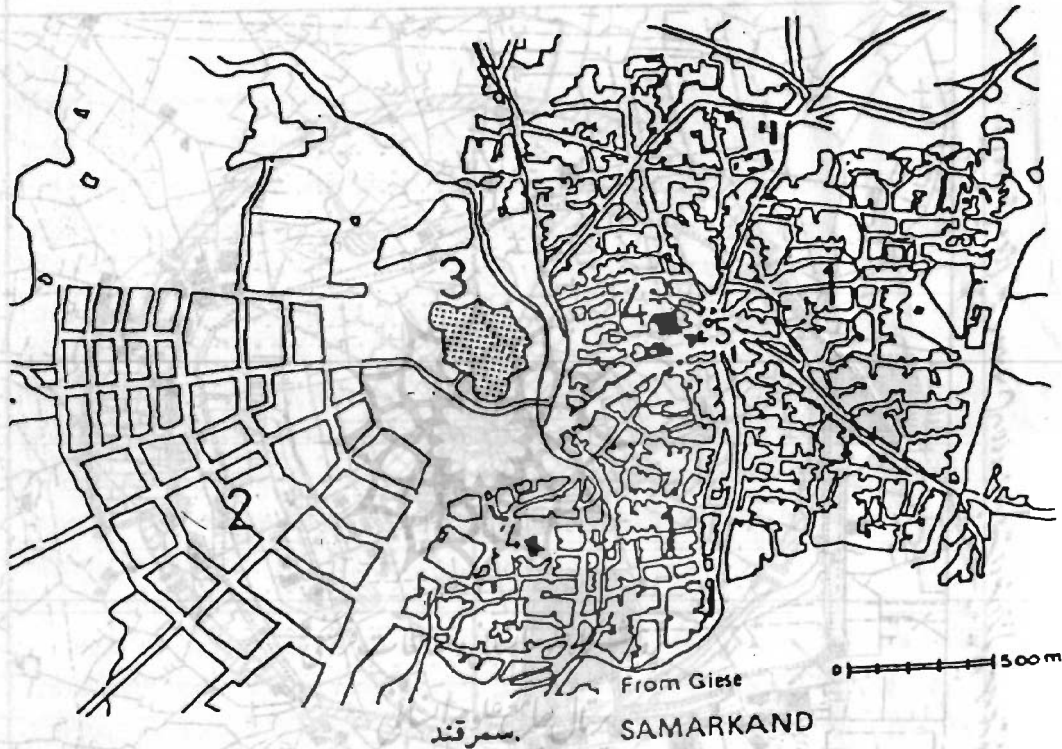
طرح شماتیک یک شهر اسلامی- شرقی از دتمان

نقشه‌ی شهرهای اسلامی

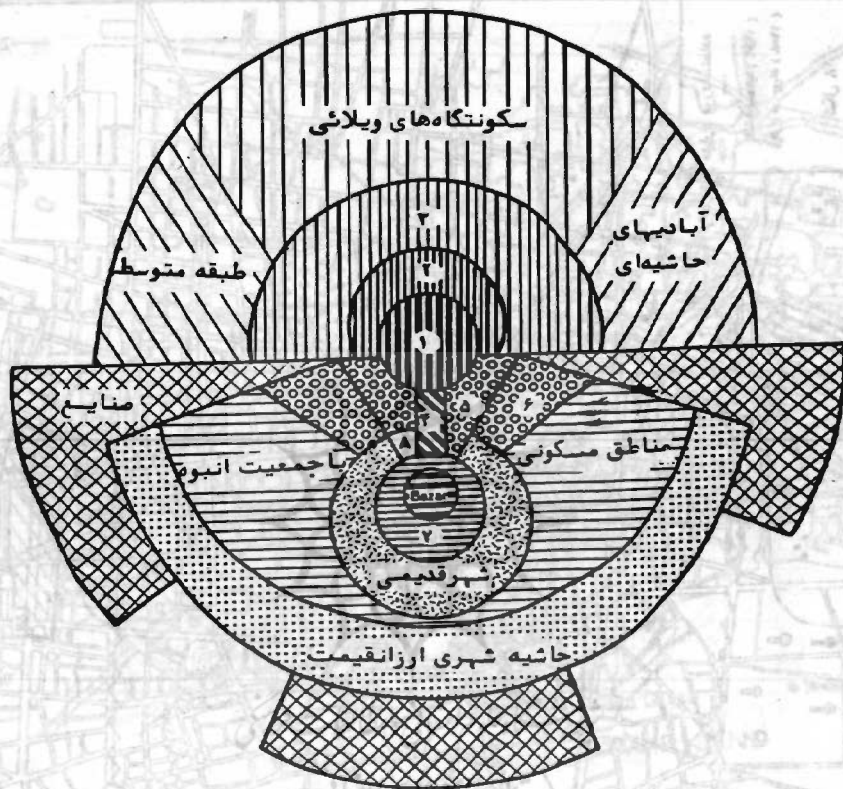


	حصن شهر در سال ۱۳۳۲
	کوچه و خیابانها
	صورت سال ۱۸۸۰ میلادی
	معمود و بازار
	خیابانها و درشکانه
	کاروانسراها
	ارک
	کاخهای سلطنتی
	ساحه‌ها
	تخت‌ها
	بنامها
	خیابانهای جدید

منبع: اردکانی، محمدعلی، ۱۳۳۲، ص ۱۸۸. تصویر برداری از نقشه شهر اردکان در سال ۱۳۳۲ توسط مهندس محمدعلی اردکانی.

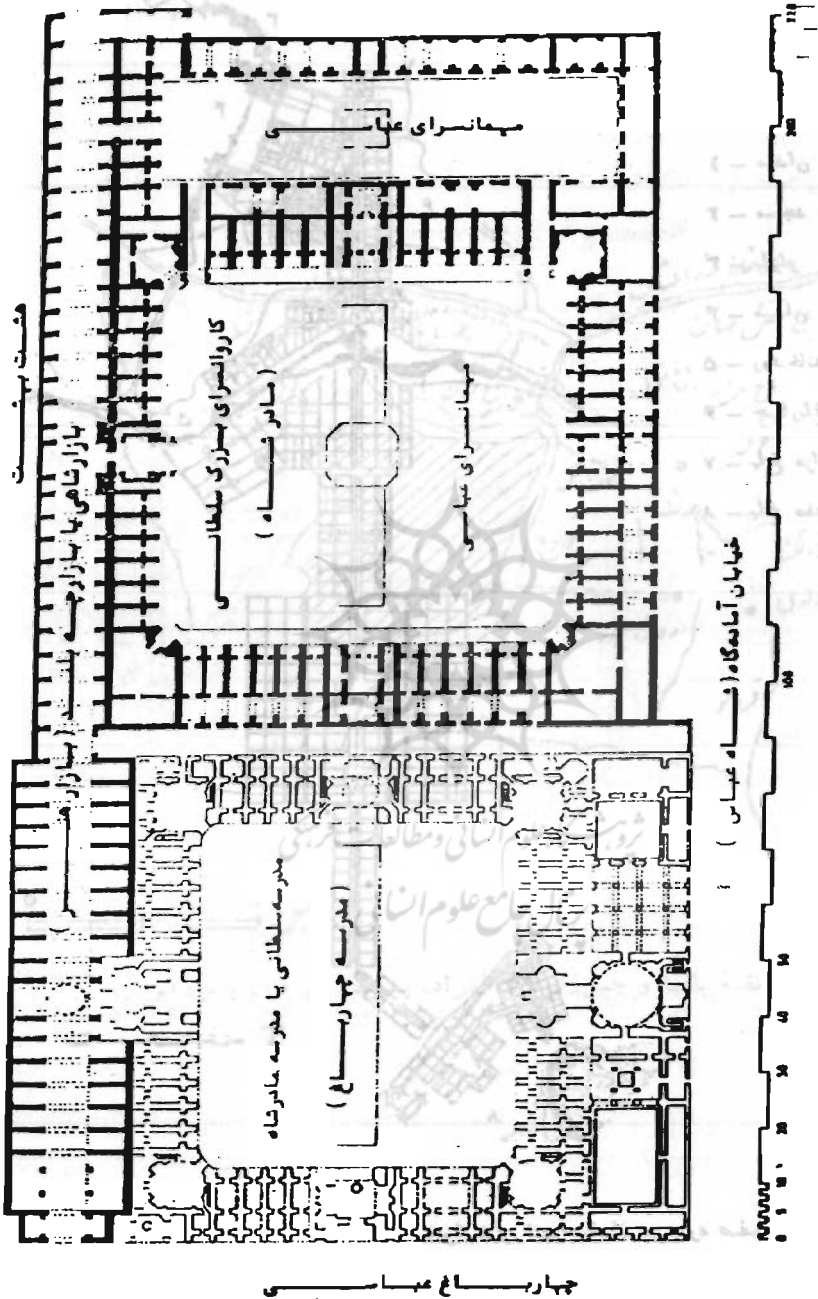


۱. بخش قدیمی شهر در دوران اسلامی 1. ISLAMIC OLD TOWN
- ۲- بخش جدید شهر در دوره روسیه تزاری. قرن نوزدهم 2. RUSSIAN NEW TOWN
- ۳- ارگ حکومتی شهر 3. CITADEL (ARK)
- ۴- مساجد، مدارس و مقابر 4. MOSQUES AND M
- ۵- بازار و چهارسوق 5. EDRESESS . CU'POLA BAZZAR CHAR.SU

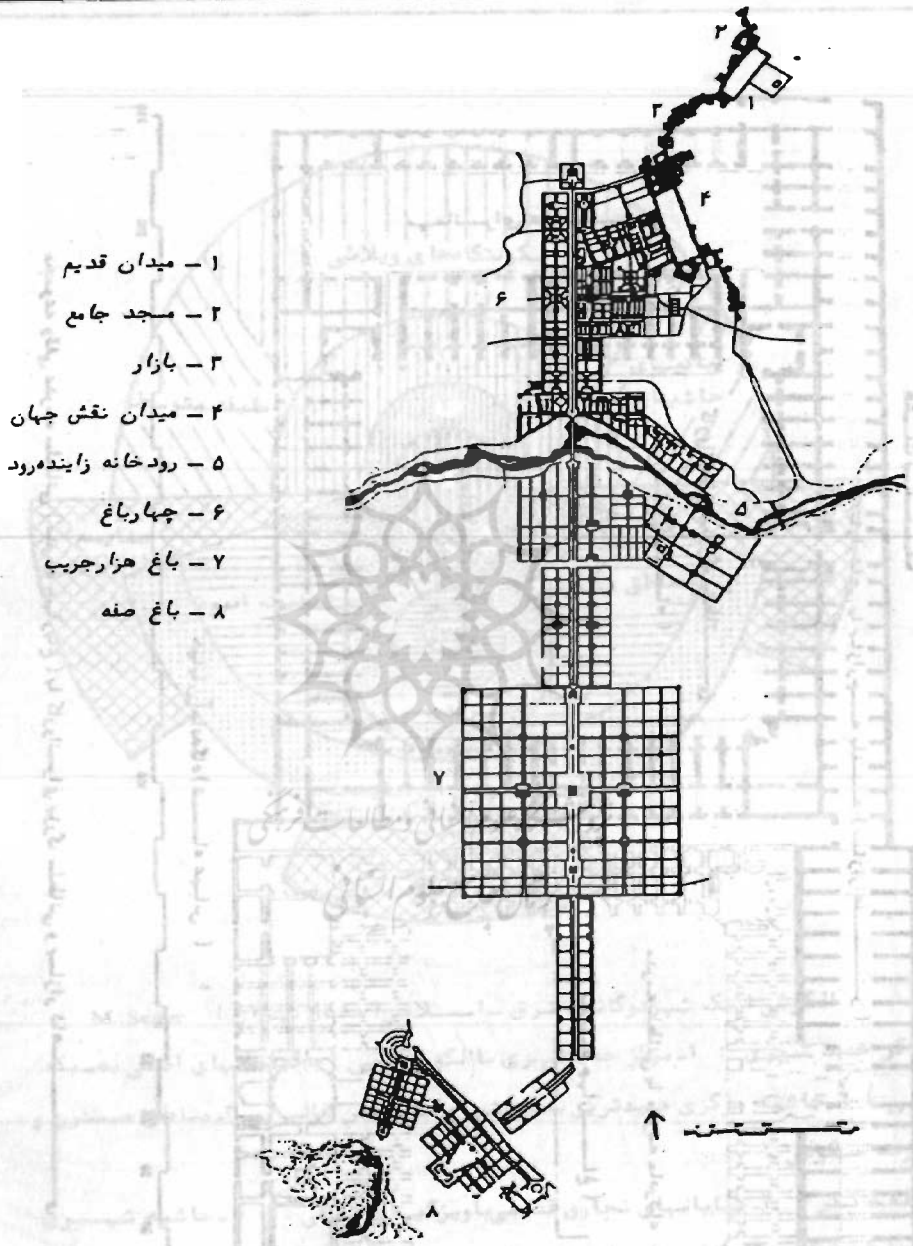


الگوئی از یک شهردوگانه شرق - اسلامی (مثال تهران) M. Seger

- ۱- مرکز جدید شهری با الگوی غربی (با خیابانهای اصلی به سبک غربی)
 - ۲- حاشیه مرکزی جدیدترین بخش شهری با ساکن غالب . ۳- مناطق مسکن و فشرده مسکونی .
 - ۴- خیابانهای تجاری قدیمی با ویژگیهای شرقی . ۵- حاشیه شهری با عملکرد قبلی حکومتی ۶- باقیمانده قدیمی بخش ویلایی شهر .
 - ۷- حاشیه بازار (A = شهر)
- مرکز قدیمی شهر : بخش بازار و قصرهای حکومتی (ارک شهر = A) حاشیه بازار بانفوذ و عملکردهای جدید و حوزه نفوذ آن .



مجموعه دولتی مدرسه سلطانی (مدرسه چهارباغ) با کاروانسرای بزرگ سلطانی و بازار شاه



- ۱ - میدان قدیم
- ۲ - مسجد جامع
- ۳ - بازار
- ۴ - میدان نقش جهان
- ۵ - رودخانه زاینده رود
- ۶ - چهارباغ
- ۷ - باغ هزارجریب
- ۸ - باغ صه

استخوانبندی شهر صفهان در دوره صفویه

نقشه خنجران با قریه‌ها و محله‌ها و باغچه‌ها و چمنزارها و باغچه‌ها و چمنزارها و باغچه‌ها و چمنزارها



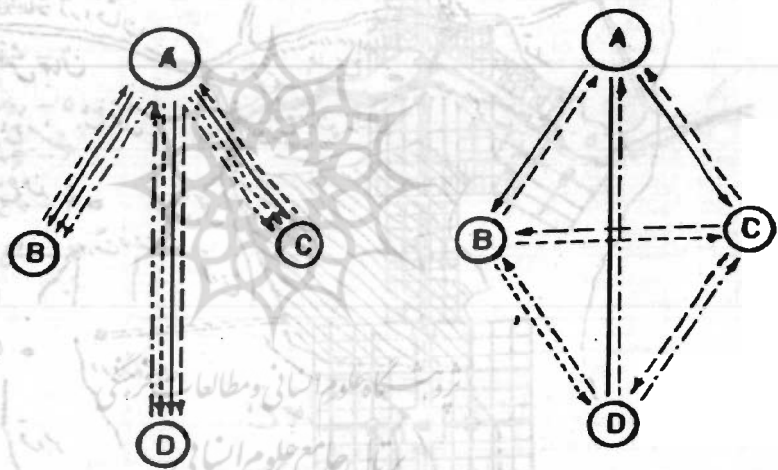
باغ چارباغ

۱ میل

نقشه باغها و چمنزارهای اطراف سمرقند در قرن پانزدهم

دوره پس از ترک یزدید، موجب شده که شاخه‌های مختلف خوارج هر کدام در مناطقی
 به فعالیت پردازند و کانونهای خود را به نقاطی دورتر از مراکز سیاسی منتقل نمایند.
 شمال آفریقا، یمن و عمان و سیستان از مهمترین جایگاههای خوارج در طول سده‌ها از
 فعالیت سیاسی و نظامی آنها بود. بنابراین میان سبب‌های علاقه به دور شدن از مراکز

سیستم متمرکز صنعتی سیستم سرمایه‌داری بهره‌وری قبل ارضی شدن



- A —————> تولید کالاهاى شهری
- B - - - - -> تولید کالاهاى شهری
- C - - - - -> تولید کالاهاى شهری
- D - - - - -> تولید کالاهاى شهری

مبادلات کالاها و تولیدات بین شهری (۱۹۷۸ اهلرس)